عشق برتر: راههای ایجاد محبت اهل بیت علیهم‌السلام در

کودکان و نوجوانان

نویسنده:جواد محدثی

## پیش گفتار

به گواهی تجربه و تاریخ ، آنان که وابستگی‌های عاطفی و قلبی به دین‌و مظاهر مکتب و مذهب داشته‌اند و علاقه‌مندان اهل‌بیت‌ عليهم‌السلام و پای‌بندان‌به سنن مذهبی و شعائر دینی ، کمتر در معرض انحراف ، گناه ، مفاسد وآلودگیهای اخلاقی بوده‌اند ، یا دیرتر به مفاسد و بدیها کشیده شده‌اند .

عواطف پاک و مقدس نسبت‌به معصومین و خاندان پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله عامل‌ثبات قدم بیشتر در راه دینداری است و عشق و محبت‌به اهل‌بیت‌عليهم‌السلام ، تاحد زیادی بیمه‌کننده افراد در برابر گناه و فساد است ، به شرط آنکه این‌محبت و دوستی ، عمیق ، ریشه‌دار و از روی بصیرت و معرفت‌باشد و باهدایت صحیح ، انسان را در مسیر عمل قرار دهد .

از سوی دیگر جوانان و نوجوانان اگر پایه‌های اعتقادی استوار وتربیت‌های دینی درست نداشته باشند ، آسیب‌پذیرترین قشر جامعه درمقابل امواج گناه و فساد اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌آیند .

دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی نیز ، برنامه و بودجه برای «تهاجم‌فرهنگی اختصاص داده‌اند و با همه امکانات و ابزار و شیوه‌ها در پی جداساختن جوانان جامعه از جریان مقدس اسلام و انقلاب در میهن اسلامی‌ما و در سطح جهانند .

امروز دیگر تردید در فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده دشمن برای هجوم‌به فرهنگ دینی و ارزش‌های اخلاقی و انقلابی ما ، نشانه بی‌خبری وغفلت و سادگی است . معرفی الگوهای ناسالم به جوانان و کشاندن آنان به‌وادی عشقهای سرراهی و نمونه‌های مبتذل و اشباع گناه‌آلود و انحرافی‌این نیاز و خلا روحی ، یکی از همین دامها و برنامه‌هاست .

با این حساب ، برای صیانت جوانان عزیز از این آفتها و توطئه‌ها ، ازسنین کودکی و نوجوانی باید برنامه داشت و هوشیارانه و دقیق ، در جهت‌تغذیه فکری و روحی و عاطفی و هدایت آنان در بستر «صراط مستقیم وبر اساس «قرآن و عترت تلاش کرد .

ایجاد محبت اهل بیت‌عليهم‌السلام در دل کودکان و نوجوانان و گره زدن اندیشه‌و عاطفه و محبت آنان با این خاندان پاک و نمونه ، می‌تواند یکی از این‌شیوه‌ها و برنامه‌ها به شمار آید . برای آنان که در پی «مهرورزی ودل‌باختن و محبوب گزیدن و دوست داشتن‌اند ، اهل‌بیت پیامبر ، بهترین وبرترین محبوب و معشوق‌اند و عشق به این خاندان ، ارزنده‌ترین وماندگارترین عشقهاست . به قول شاعر صاحبدل شیراز : سعدی (1)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ، اگر عاشقی کنی و جوانی  |  | عشق محمد بس است و آل محمد |

ولی . . . چگونه و با چه روشی می‌توان نسل امروز را محب و دوستداراهل‌بیت‌بار آورد و بذر و نهال این «عشق مقدس و برتر» را در مزرعه روح وجانشان کاشت ؟

پدران ، مادران ، اولیا و مربیان ، نویسندگان و هنرمندان ، برنامه‌سازان‌صدا و سیما ، نهادهای فرهنگی و هنری ، سیاستگذاران مراکز تبلیغی وتربیتی و همه کسانی که به نحوی در شکل دادن به شخصیت کودکان ونوجوانان ، مؤثر و سهیم‌اند; در این مورد ، هم مسؤولند ، هم در پی یافتن‌راهها و شیوه‌های عملی و کاربردی برای «ایجاد محبت اهل بیت و«تربیت دینی در دل و اندیشه نسل معاصرند .

نگارنده این اثر ، بی آنکه ادعایی داشته باشد ، به عنوان یک گام کوچک‌و ابتدایی به تدوین این جزوه پرداخته و نکته‌هایی را در این زمینه مطرح‌ساخته است ، به این امید که این «موضوع ، با پیگیری صاحب‌نظران و کاربیشتر و روشهای علمی‌تر و عینی‌تر ، هر چه غنی‌تر شود و کمال یابد واستفاده بیشتری به اهل مطالعه و پژوهش برساند .

قم - جواد محدثی

بهار 1378 ش

## جایگاه محبت در دین

گرچه استفاده از قدرت ، می‌تواند ما را به هدف برساند ، ولی بهره‌گیری‌از «محبت و «عشق و ایجاد جاذبه و کشش قلبی ، اهرمی قوی‌تر است وانگیزه‌های ماندگارتری ایجاد می‌کند . در روایات نیز آمده است : «محبت ودوست داشتن برتر از ترس و بیم است . » (2) .

نوع رابطه ما با اهل بیت‌عليهم‌السلام ، بر چه مبنایی است و بر چه مبنایی بایدباشد ؟

آیا مثل رابطه ملت و حاکم و مردم و رهبر است ؟

یا رابطه علمی میان شاگرد و استاد ؟

یا رابطه «محبت و «مودت و پیوند قلبی و درونی است ، که هم‌کارسازتر ، و هم بادوامتر و ریشه‌دارتر است ؟

خلل‌پذیر بود هر بنا که می‌بینی مگر بنای محبت که خالی از خلل است

قرآن کریم روی این رابطه تاکید دارد و «مودت اهل بیت‌عليهم‌السلام را اجررسالت پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله معرفی می‌کند :

«قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی (3) .

بگو : من بر انجام رسالت ، از شما مزدی نمی‌خواهم ، مگر دوستی ومحبت درباره نزدیکانم .

در روایات متعددی «مودة فی القربی به محبت و مودت اهل بیت وخاندان پیامبر تفسیر شده است . بالاترین محبت هم محبتی است که خدابه آن سفارش کرده باشد و صاحبان این محبت را نیز دوست‌بدارد .

در روایات هم ، مودت و ولایت ، به عنوان یک «فرض الهی و ملاک‌قبول اعمال و عبادات به حساب آمده است . (4) .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| تولای شما فرض خدایی است  |  | قبول و رد آن مرز جدایی است  |
| هر آن کس را که در دین رسول است  |  | ولایت ، مهر و امضای قبول است  |
| دیانت‌بی شما کامل نگردد  |  | بجز با عشقتان دل ، دل نگردد (5)   |

اهل سنت هم طبق احادیثشان این نکته را قبول دارند و در شعرشافعی چنین آمده است :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا اهل بیت رسول الله حبکم  |  | فرض من الله فی القرآن انزله  |
| کفاکم من عظیم القدر انکم  |  | من لم یصل علیکم لا صلاة له (6  |

ای خاندان پیامبر خدا ! حب شما فریضه‌ای است‌خدایی که خداوند درقرآن آورده است ، برای افتخار بزرگ شما همین بس که هر کس (در نماز)بر شما صلوات و درود نفرستد ، نمازش درست نیست و نماز ندارد .

از آنجا که این پیوند درونی ، هم بیمه کننده دوستدار اهل بیت در مقابل‌انحرافها و لغزشهاست ، هم هدایتگر امت‌به سرچشمه زلال دین است ، رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله فرموده است که مردم را دوستدار اهل بیت‌بار آورید و برمبنای این محبت ، تربیت کنید :

«ادبوا اولادکم علی حبی و حب اهل بیتی والقرآن . (7) .

فرزندانتان را با محبت من و محبت‌خاندان من و محبت قرآن تربیت وتادیب کنید .

امام صادق‌ عليه‌السلام نیز فرموده است :

«رحم الله عبدا حببنا الی الناس ولم یبغضنا الیهم . (8) .

خدا رحمت کند کسی را که ما را محبوب مردم سازد و ما را در نظر مردم‌مبغوض و منفور نسازد .

نیز از سخنان آن حضرت در توصیه به شیعه است :

«احبونا الی الناس و لا تبغضونا الیهم ، جروا الینا کل مودة‌وادفعوا عنا کل قبیح . (9) .

ما را در نظر مردم محبوب سازید و در نظرشان ما را منفور نگردانید ، هرمودت و دوستی را به طرف ما بکشید و هر زشتی را از ما دور سازید .

هر چه محبت و دلباختگی و ارتباط قلبی بیشتر باشد ، تبعیت وهمرنگی و همراهی و همدلی هم بیشتر خواهد شد . نقش عشق و محبت‌در ایجاد همسانی و همفکری و همراهی و هم‌سویی بسیار عظیم است ومردم پیوسته از چهره‌های محبوبشان الگو و سرمشق می‌گیرند . ایمان‌عاطفی به رهبری حتی در اطاعت‌سیاسی و اجتماعی هم تاثیر می‌گذارد وزمینه‌ساز تبعیتی عاشقانه می‌شود ، نه صرفا تشکیلاتی و رسمی .

از این رو ، ارتباط شیعه با اهل بیت را علاوه بر جنبه‌های اعتقادی برمبنای علمی و احادیث و منابع دینی ، باید عاطفی و روحی و احساسی قرارداد و «آگاهی عقلی را با «عاطفه قلبی در هم آمیخت و عقل و عشق رابا هم پیوند زد . همچنانکه در آموزش هم ، اگر معلم ، بیش از رابطه علمی ، رابطه قلبی و زمزمه محبت و مودت باشد «جمعه به مکتب آورد طفل‌گریزپای را» ، در ارتباطهای ولایی با ائمه نیز دل ، قلمرو فرمانروایی آنان‌می‌گردد .

در این صورت ، میان «شناخت ، «عشق و «پیروی ، رابطه‌ای‌مستحکم پدید می‌آید و «معرفت ، محبت می‌آورد و محبت ، «ولایت وتبعیت . در حدیثی رسول اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله به این سه عنصر و نقش آن در سعادت‌انسان اشاره فرموده است :

«معرفة آل محمد برائة من‌النار و حب آل محمد جواز علی‌الصراط والولایة لآل محمد امان من العذاب . (10) .

معرفت و شناخت آل محمد ، برائت و نجات از دوزخ است و «محبت آل‌محمد ، جواز عبور از صراط است و «ولایت نسبت‌به آل محمد ، امان ازعذاب است .

این رابطه را می‌توان چنین ترسیم کرد :

معرفت محبت اطاعت .

در حدیث امام صادق‌ عليه‌السلام نیز آمده است :

«الحب فرع المعرفة . (11) .

محبت ، فرع و شاخه شناخت است .

در سیره پیامبر اکرم نیز آمده است که هر کس با او از روی معرفت وشناخت ، رفاقت و نشست و برخاست می‌کرد ، محبت او در دلش می‌افتاد . (12) .

این نشان‌دهنده تاثیر معرفت در پیدایش محبت است .

ایجاد محبت و عشق را باید از مراحل ساده و بسیط و عاطفی شروع‌کرد و در مراحل بعدی با بصیرت و ناخت‌بیشتر ، آن را تعمیق داد ، تا آنجاکه «حب ، جزء سرشت انسان گردد و «محبت اهل بیت ، جزء دین یک‌مسلمان و شیعه درآید ، امام صادق‌ عليه‌السلام فرمود : «هل الدین الاالحب ؟ (13) آیادین جز محبت است ؟ و امام باقر عليه‌السلام فرمود :

«الدین هوالحب والحب هوالدین . (14) .

دین همان محبت است و محبت همان دین است .

روشن است که محبت راستین به عمل و تبعیت هم می‌انجامد و ازعصیان و تخلف دور می‌سازد . (15) .

برای این کار ، باید زمینه‌های روحی و آمادگی‌های قبلی افراد را در نظرگرفت ، وگرنه محبت اهل بیت‌به دلهای غیر مستعد و غیر آماده‌نمی‌چسبد ، آنچنان که کاشی به دیوار کاهگلی نمی‌چسبد . گاهی هم بایدموانع را زدود ، همچنانکه در لحیم‌کاری ، ابتدا با سنباده و مواد دیگر ، چربیها ، آلودگیها و جرمها را از محل می‌زدایند ، تا لحیم ، بچسبد و جوش‌بخورد .

## حقوق اهل بیت عليه‌السلام و وظایف ما

غیر از مودت اهل بیت که در قرآن هم آمده است ، در روایات فراوانی‌حقوق آنان بر عهده ما و وظیفه ما در برابر اهل بیت‌بیان شده است و ابواب‌متعددی از احادیث درباره ولایت ، محبت ، مودت و نصرت اهل‌بیت وجوددارد (16) که فهرستی از آن حقوق و وظایف ، چنین است :

## 1 - مودت و محبت

در زیارت جامعه است :

«بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة و لکم المودة الواجبة .

به سبب ولایت‌شما طاعت واجب پذیرفته می‌شود و «مودت واجب برای شماست .

پیامبر خداصلى‌الله‌عليه‌وآله در حدیثی مفصل ، خطاب به سلمان و ابوذر و مقداد ازجمله فرموده است :

«ان مودة اهل بیتی مفروضة واجبة علی کل مؤمن ومؤمنة . . . » (17) .

مودت اهل بیت من بر هر مرد و زن با ایمان ، فرض و واجب است .

امام علی‌ عليه‌السلام فرمود :

«علیکم بحب آل نبیکم فانه حق الله علیکم (18) .

بر شما باد محبت دودمان پیامبرتان ، که این حق خدا بر گردن شماست .

2 - تمسک و چنگ زدن به آستان آنان

پیامبر خداصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود :

«من تمسک بعترتی من بعدی کان من‌الفائزین . (19) .

هر کس پس از من به خاندانم چنگ بزند و تمسک جوید ، از رستگاران‌خواهد بود .

## 3 - ولایت و پذیرش رهبری آنان

علی عليه‌السلام فرمود :

«لنا علی الناس حق الطاعة والولایة . (20) .

برای ما بر عهده مردم حق اطاعت و ولایت است .

## 4 - مقدم داشتن آنان بر دیگران

رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود :

«اهل بیتی نجوم لاهل الارض ، فلا تتقدموهم و قدموهم فهم‌الولاة بعدی (21) .

خاندان من ستارگانی برای اهل زمین‌اند ، پس از آنان جلو نیفتید ، بلکه‌آنان را جلو اندازید ، که آنان پس از من والیان‌اند .

## 5 - اقتدا به آنان در امور دین و دنیا

«اهل بیتی یفرقون بین الحق والباطل و هم الائمة الذین یقتدی‌بهم . (22) .

اهل بیت من میان حق و باطل را جدا می‌کنند و آنان پیشوایانی هستندکه باید به آنان اقتدا کرد .

## 6 - اکرام و احترام نسبت‌به آنان

«ایها الناس ! عظموا اهل بیتی فی حیاتی و من بعدی واکرموهم و فضلوهم . (23) .

ای مردم ، اهل بیت مرا بزرگ بدارید ، چه در حال حیاتشان چه پس ازمن و آنان را احترام و اکرام کنید و آنان را بر دیگران برتری دهید .

## 7 - ادای خمس اموال و درآمدها

آیه 41 انفال ، خمس را برای خدا و رسول و ذوی القربی و . . . می‌داند .

## 8 - نیکی کردن و پیوند داشتن با آنان و ذریه ایشان

امام صادق‌ عليه‌السلام:

«من لم یقدر علی صلتنا فلیصل صالحی موالینا یکتب له‌ثواب صلتنا» . (24) .

هر کس نتواند با ما صله و پیوند و نیکی داشته باشد با دوستان صالح ماپیوند داشته باشد ، تا برای او پاداش ارتباط با ما و نیکی به ما نوشته‌شود .

## 9 - صلوات و درود فرستادن بر آنان

پیامبر خداصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود :

«من صلی صلوة لم یصل فیها علی ولا علی اهل بیتی لم تقبل‌منه . (25) .

هرکس نمازی بخواند که در آن بر من و اهل بیتم صلوات نفرستد ، نمازش از او پذیرفته نیست .

## 10 - یاد کردن آنان و فضایلشان

امام صادق‌ عليه‌السلام فرمود :

«خیر الناس من بعدنا من ذاکر امرنا و دعا الی ذکرنا» . (26) .

بهترین مردم پس از ما کسی است که کار و فرهنگ ما را یاد کند و مردم‌را به یاد ما فراخواند .

امام باقر عليه‌السلام فرمود :

«ان ذکرنا من ذکر الله و ذکر عدونا من ذکر الشیطان . (27) .

یادکرد ما از یاد خداست و یاد دشمن ما ، از یاد دشمن است .

## 11 - ذکر مصائب و مظلومیت آنان

امام صادق عليه‌السلام (درباره مجالسی به یاد عزای اهل‌بیت) :

«ان تلک المجالس احبها فاحیوا امرنا ، انه من ذکرنا او ذکرناعنده فخرج من عینیه مثل جناح الذباب غفرالله له ذنوبه . (28) .

این مجالس را دوست می‌دارم ، پس امر و فکر ما را زنده بدارید ، هماناکسی که از ما یاد کند یا ما نزد او یاد شویم و از چشمانش به اندازه بال‌مگسی اشک آید ، گناهانش آمرزیده می‌شود .

## 12 - رفتن به زیارت قبور مطهرشان

امام رضا عليه‌السلام فرمود :

«ان لکل امام عهدا فی عنق اولیائه و شیعته و ان من تمام‌الوفاء بالعهد زیارة قبورهم . (29) .

برای هر امامی عهد و پیمانی بر گردن دوستان و پیروان اوست و ازنشانه‌های وفای کامل به این عهد و پیمان ، زیارت قبر امامان است .

نقش اجتماعی و تربیتی زیارت ، آن‌قدر بسیار است که نشانه کمال حج‌و زیارت خانه خدا به‌شمار رفته است و احادیث فراوانی به زیارت اهل‌بیت وامامان معصوم ، چه در حال حیاتشان و چه پس از وفات ، سفارش کرده‌است . (30) .

امام باقر عليه‌السلام فرمود : همانا مردم فرمان یافته‌اند که سراغ این سنگها(ی‌کعبه) آمده ، آنها را طواف کنند ، سپس نزد ما آیند و ولایت و همبستگی‌خویش را به ما خبر دهند و یاری خود را بر ما عرضه کنند . (31) .

این بعد اجتماعی و سیاسی حج را در زمینه «پیوند یاری و «ارتباط ولایی با امامان حق نشان می‌دهد . پاداشهای عظیمی که برای زیارت‌روایت‌شده ، بویژه زیارت کربلا و خراسان ، زیارت اربعین و عاشورا ، زیارت‌از دور و نزدیک ، نشان اهمیت مساله است . زیارت ، علاوه بر آنکه تکلیف مانسبت‌به امامان است ، نقش محبت‌آفرینی هم دارد (بعدا اشاره خواهدشد) .

رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود :

«الزیارة تنبت المودة . (32) .

زیارت و دیدار ، مودت و دوستی به بار می‌آورد .

## راههای ایجاد محبت

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نشناخته را محرم هر راز مکن  |  | قفل دل خود بر همه کس باز مکن  |
| در قلک دل برای آینده خویش  |  | جز عشق خدا و دین پس‌انداز مکن  |

## 1 - دوران پیش از کودکی

آنچه در ساختن شخصیت‌یک انسان مؤثر است ، خیلی پیشتر ازمدرسه و جامعه آغاز می‌شود و به مساله تغذیه ، شیر مادر ، روحیات والدین ، شرایط ایام بارداری ، انعقاد نطفه و . . . هم مربوط می‌شود و موضوع وراثت‌نیز ، در جای خود مهم است .

اهل معرفت و انسانهای دقیق و ارزشی ، در به وجود آوردن نسلی پاک ، نجیب ، باایمان و اهل صلاح و فلاح ، به این نکات و ریزه‌کاریها هم توجه‌می‌کنند .

در زندگی‌نامه بسیاری از بزرگان دین یا شهیدان اسلام می‌خوانیم ومی‌شنویم که مادرانشان آنان را با وضو شیر داده‌اند ، ایام بارداری وشیردادن ، مواظب حالات روحی خود ، غذای حلالی که می‌خورده‌اند ، مجالسی که شرکت می‌کرده‌اند ، کتابهایی که می‌خوانده‌اند و . . . بوده‌اند . این‌مراقبت‌ها در روحیه و خصلت‌های کودک تاثیر می‌گذارد . اینکه مادر در ایام‌بارداری یا هنگام شیر دادن ، چه صداها و نوارهایی بشنود (ترانه یا تلاوت‌قرآن یا نوحه و مداحی و . . . ) و چه تصاویر و فیلمهایی ببیند ، در چه جلساتی‌شرکت کند ، با چه کسانی معاشرت داشته باشد ، در تکوین شخصیت‌معنوی فرزند بی‌اثر نیست . برخی از سفره امام حسین‌ عليه‌السلام و اطعام ایام‌عاشورا و غذاهای نذری ، به قصد تبرک استفاده می‌کنند . این ایمانها وعقیده‌ها به نوزادهم منتقل می‌شود .

آنچه در آداب و سنن اسلامی در مورد کودکان و نوزادان است (از قبیل : از خداوند فرزند صالح خواستن ، دایه صالح گرفتن برای شیر دادن ، توجه به‌انتقال اخلاق دایه به فرزند ، کام نوزاد را با آب فرات و تربت کربلا برداشتن ، هنگام تولد و نامگذاری در گوش او اذان و اقامه گفتن ، نام نیک بر او نهادن ، از نام ائمه بر فرزندان گذاشتن ، یاد دادن قرآن و حدیث اهل بیت‌به‌فرزندان و آموختن نماز و واداشتن به روزه و . . . ) همه نشان دهنده تاثیراینگونه امور در خلق و خوی کودکان است .

از علی‌ عليه‌السلام روایت است که فرمود : من از خدای خود فرزندانی زیباروی وخوش قامت نطلبیدم ، بلکه از پروردگارم خواستم فرزندانی به من عطا کندکه مطیع خدا و خائف از او باشند ، تا هر گاه به آنان می‌نگرم که مطیع‌خدایند ، چشمانم روشن گردد . (33) .

امام سجاد عليه‌السلام نیز در دعای مخصوص فرزندان ، بیشتر نکته‌های‌معنوی و دینی و اخلاقی و صلاح و فلاح و تقوا و بصیرت و اطاعت‌خدا ومحبت اولیای الهی و دشمنی با دشمنان خدا می‌طلبد :

«و اجعلهم ابرارا اتقیاء بصراء سامعین مطیعین لک ولاولیائک‌محبین مناصحین و لجمیع اعداءک معاندین و مبغضین . (34) .

پس دوران کودکی ، فصل تربیت دینی و تربیت ولایی کودکان است ومحبت اهل بیت هم یکی از شاخه‌های همین «تربیت دینی است .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| من غم و مهر حسین ، با شیر از مادر گرفتم  |  | روز اول کامدم ، دستور تا آخر گرفتم  |
| بر مشام جان زدم یک قطره از بوی حسینی  |  | سبقت از مشک و گلاب و نافه و عنبر گرفتم  |

حضور ما در جلسات حسینی و اشک ریختن در سوگ اباعبداللهعليه‌السلام وشنیدن حرف و حدیث امامان و اهل بیت ، در روح کودکی که در رحم یا درآغوش دارد ، تاثیرگذار است .

« . . . در حسینیه دلمان ، مرغهای محبت‌سینه می‌زنند و اشکهای یتیم‌در خرابه چشم ، بیقراری می‌کنند . سینه ما تکیه‌ای قدیمی است ، سیاهپوش با کتیبه درد و داغ . درب آن با کلید «یا حسین باز می‌شود وزمین آن با اشک و مژگان ، آب و جارو می‌شود .

ما دلهای شکسته خود را وقف اباعبداللهعليه‌السلام کرده‌ایم و اشک خود را نذرکربلا ، و این «وقفنامه به امضای حسینعليه‌السلام رسیده است . این است که‌زیارت ، ترجیع بند ایام سال ماست .

صبحها وقتی سفره دعا و عزا گشوده می‌شود ، دل روحمان گرسنه‌عاطفه و تشنه عشق می‌شود . ابتدا چند مشت «آب بیداری به صورت‌جان می‌زنیم ، تا «خواب غفلت را بشکنیم . زیارتنامه را که می‌بینیم ، چشممان آب می‌افتد . «السلام علیک را که می‌شنویم ، بوی خوش کربلابه مشاممان می‌رسد . توده‌های بغض در گلویمان متراکم می‌گردد و هوای‌دلمای ابری می‌شود و آسمان دیدگانمان بارانی .

سر سفره ذکر مصیبت ، قندان دهانمان را پر از حبه قندهای «یاحسین می‌کنیم و نمکدان چشممان دانه دانه اشک بر صورتمان‌می‌پاشد . به دهان که می‌رسد ، قند و نمک در کاممان می‌آمیزد و این‌محلول شور و شیرین ، درمان عشق ماست و نمک‌گیر سفره حسین‌عليه‌السلام‌می‌شویم . این است که تا آخر عمر ، دست و دل از حسینعليه‌السلام بر نمی‌داریم . آنگاه جرعه جرعه زیارت عاشورا می‌نوشیم و سر سفره توسل ، «ولایت رالقمه لقمه در دهان کودکانمان می‌گذاریم .

غذای ما از عطای حسینعليه‌السلام است . الحمدلله . . . در این خشکسالی دل‌و قحطی عشق ، نم نم باران اشک ، غنیمتی است که رواق آینه کاری شده‌چشمان ما را شستشو می‌دهد . خدایا ما را به چشمه کربلا و نهر علقمه‌تشنه‌تر کن و معماراشک را برای آبادی دلهایمان بفرست .

امروز بر سردر دلهای ما پرچمی نصب شده که بر آن نوشته است : «السلام علیک یا اباعبدالله . (35) .

ریشه‌های حب اهل بیت ، در دوران خردسالی و شیرخوارگی نیرومی‌گیرد و در جوانی و بزرگسالی میوه و برگ و بار می‌دهد . آری . . .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| به جام جان نریخت مهر دیگری  |  | از آن دمی که دل شد آشنای تو  |

این مرحله ، به مراقبتها و رفتارهای والدین در دوران شیرخوارگی ونوزادی فرزندان مربوط می‌شود .

اما . . . اینک ماییم و کودکان و نوجوانان موجود در جامعه و ضرورت واهمیت تربیت ولایی و دینی آنان .

در اینکه چگونه می‌توان جوانان و نوجوانان را «محب آل محمد» ودوستدار اهل‌بیت‌عليهم‌السلام بارآورد ، راههای مختلفی وجود دارد . برخی از این‌راهها جنبه ذهنی و تئوری دارد ، یعنی طرح موضوعات و مباحثی که نتیجه‌آن ایجاد کشش و جذبه نسبت‌به خاندان پیامبر است . عمدتا بیان فضایل‌و مناقب و مقامات و شرح حال و سیره اولیاء الهی ، حتی ذکر شمایل واوصاف ظاهری آنان ، از این بخش است . بعضی حتی از راه تصاویر وعکسهای منسوب به پیامبر و امامان ، به آنان علاقه پیدا می‌کنند و تصویر ، گذرگاه و معبری برای ورود به دنیای زیبا و دوست‌داشتنی اولیای دین‌می‌شود . برخی هم جنبه عملی و کاربردی است ، یعنی اجرای برنامه‌ها یاتوجه به نکات اجرایی و کاربردی که نتیجه آن جای گرفتن محبت‌اهل‌بیت‌عليهم‌السلام در دل کودکان و جوانان است و این کار ، عمدتا از سوی پدران‌و مادران ، اولیاء و مربیان ، برنامه‌سازان ، مسؤولان فرهنگی و تربیتی کشورو چهره‌های مورد توجه و علاقه نسل نوجوان در جامعه است .

اینک برخی از این راهها و شیوه‌ها برشمرده می‌شود :

## 2- پیوند با آب فرات و خاک کربلا

استفاده از نمادها و سمبلهایی که به نوعی ارتباط با اهل بیت دارد ، این‌رابطه را تقویت می‌سازد . «عاشورا» برجسته‌ترین مظهر خط ولایت نسبت‌به این خاندان است .

«شهادت و «عطش نیز دو جلوه مهم عاشوراست .

«آب فرات یادآور تشنگی امام و اهل بیت او و وفای عباسعليه‌السلام است و«تربت سیدالشهدا ، خاک آمیخته به خون «ثارالله است و این دو ، فرهنگ عاشورا و حب اهل بیت را با خود دارند .

در تعالیم شیعه ، از سنتهای مؤکد مذهبی ، برداشتن کام نوزاد هنگام‌تولد ، با تربت‌سیدالشهدا و آب فرات ست‌یعنی اندکی از این یا آن ، به کام‌نوزاد مالیدن ، یا در دهان او چکاندن .

این کار ، هم پیوند دادن نوزادان از همان بدو تولد با این خاندان وعاشوراست ، هم نشان عشق والدین به ایجاد این رابطه است ، هم تاثیرطبیعی این «آب و خاک در سرشت و طینت و خلق و خوی فرزندان است . همچنان که طبق احادیث‌بسیار ، خداوند در تربت‌سیدالشهدا «شفا» وخاصیت درمانی قرار داده است ، (36) اثر ایجاد محبت و امنیت هم در این‌تربت و آن آب نهاده است . پس ، از راههای عملی ، یکی هم عمل به این‌سنت دینی است . اثر ایجاد محبت در روایات مربوط به آن هم بیان شده‌است . امام صادقعليه‌السلام فرمود :

«حنکوا اولادکم بماء الفرات . (37) .

کام نوزادان خود را با آب فرات بردارید .

امام صادقعليه‌السلام به سلیمان بن هارون بجلی فرمود :

«ما اظن احدا یحنک بماء الفرات الا احبنا اهل البیت . (38) .

گمان نمی‌کنم که کسی با آب فرات ، کام نوزاد را بردارد مگر آنکه ماخاندان را دوست‌بدارد .

آن حضرت ، فرات را نهری بهشتی می‌داند که به خدا ایمان آورده است‌و روزی یک قطره از بهشت در آن می‌چکد . و نیز فرمود :

«من شرب من ماء الفرات وحنک به فهو محبنا اهل البیت . (39) .

هر کس از آب فرات بنوشد ، یا کام کودک را با آن بردارد ، یقینا دوستدار ماخاندان خواهد بود .

علیعليه‌السلام فرمود :

«ان اهل الکوفة لو حنکوا اولادهم بماء الفرات لکانوا شیعة‌لنا» . (40) .

اگر کوفیان ، اولاد خودرا باآب‌فرات ، کام برداشته بودند ، شیعه ما می‌شدند .

امام صادقعليه‌السلام فرمود :

«ما احد یشرب من ماء الفرات و یحنک به اذا اولد الا احبنا ، لان الفرات نهر مؤمن . (41) .

هیچ کسی نیست که از آب فرات بنوشد ، یا وقتی فرزند آورد ، کام او را باآب فرات بردارد ، مگر آنکه دوستدار ما شود ، چرا که فرات ، نهری‌مؤمن است .

آن حضرت ، در مورد کام برداشتن نوزادان با تربت‌سیدالشهدا هنگام‌تولد ، چنین دستور داده است :

«حنکوا اولادکم بتربة الحسین ، فانها امان . (42) .

فرزندان خود را با تربت‌حسینعليه‌السلام کام برگیرید ، چرا که مایه ایمنی‌است .

البته در روایات ، تاکید شده است که این بهره‌گیری درمانی از تربت ، وقتی است که انسان به این نکته باور داشته باشد که خداوند در تربت آن‌حضرت ، این نفع و خیر را قرار داده است . (43) .

سنت آمیختن آب یا شربت‌به تربت‌سیدالشهدا و نوشیدن و نوشاندن‌آن به دیگران جهت درمان ، زمان ائمه هم رواج داشته است . (44) امروز نیزمیان معتقدان و شیفتگان این مکتب ، رایج است . (45) .

## 3- استفاده از علاقه به محبوبیت

هر کس دوست دارد مورد علاقه و محبت دیگران باشد و مورد توجه‌قرار گیرد . در جذب افراد ، اظهار علاقه خیلی مؤثر است ، بخصوص آن‌طرفی که انسان مورد علاقه او باشد اگر شخصیتی معروف ، مهم و معتبرباشد ، مورد رغبت‌بیشتری است . تا چه رسد به اینکه آن طرف ، خدا وحضرت رسول‌صلى‌الله‌عليه‌وآله و ائمه اطهارعليهم‌السلام باشند . باید چنین القا کرد که رشته‌محبت و علقه ولایی با اهل‌بیت‌عليهم‌السلام موجب می‌شود انسان محبوب خدا ورسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله گردد و چه موهبتی بالاتر از این ؟ طرح این مساله که‌ائمه‌عليهم‌السلام دوستدارانشان را دوست دارند ، ایجاد محبت می‌کند . روایت دراین زمینه بسیار است ، از جمله این حدیث :

کسی به محضر امام علی عليه‌السلام رسید و گفت : السلام علیک یاامیرالمؤمنین و رحمة‌الله و برکاته ، کیف اصبحت ؟ سلام (و رحمت وبرکات خدا) بر تو ای امیر مؤمنان . چگونه صبح کردی و چگونه‌ای ؟

حضرت سر بلند کرد و پاسخ سلامش را گفت و فرمود :

«اصبحت محبا لمحبنا و مبغضا لمن یبغضنا» (46) .

صبح کردم ، در حالی که دوستدار دوستدارمان هستم و دشمن کسی که باما دشمنی دارد .

طرح مساله حب متقابل و رضایت طرفینی میان خدا و بنده یاپیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله و امت ، کارساز است . قرآن هم نمونه‌هایی دارد ، همچون : «رضی الله عنهم و رضواعنه ، (47) «فسوف یاتی الله بقوم یحبهم ویحبونه . (48) که در مورد اهل ایمان و عمل صالح و متعهدان به دین و ثابت‌قدمان در راه خداست .

با طرح این‌که خدا چه کسانی را دوست می‌دارد ؟ و پاسخ این که محبان‌اهل بیت را ، و نتیجه‌گیری این که پس محبوب خدا شدن هم در سایه‌مودت اهل‌بیت است ، علاقه‌ها را به این خاندان می‌افزاید .

هم دوست داشتن برگزیدگان افتخار است ، هم محبوب آنان بودن‌ارزش است . در زیارت «امین‌الله ، در حرمهای ائمه معصومین از خداوندچنین درخواست می‌کنیم :

خدایا ! دل و جان مرا شیفته اولیای برگزیده‌ات قرار بده و مرا در زمین وآسمانت محبوب گردان :

«محبة لصفوة اولیاءک ، محبوبة فی ارضک و سماءک . (49) .

دوستی با اهل‌بیت‌عليهم‌السلام انسان را با این خانواده همخون و همدل‌می‌سازد و عضو این خانواده الهی می‌گرداند . همچنان که سلمان فارسی رارسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله از این دودمان دانست و فرمود : «سلمان منا اهل البیت (50) «سلمان از ما خاندان است .

چنین تعبیری را پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله درباره ابوذر غفاری هم فرموده است وامام صادقعليه‌السلام نیز درباره فضیل بن یسار (51) و یونس بن یعقوب (52) فرموده‌است که اینان از ما خاندان هستند .

این موهبت‌بزرگی است که انسان از خاندان پیامبر محسوب شود . محبت اهل‌بیت ، چیزی است که این امتیاز را برای دوستدار می‌آورد . به‌این دو حدیث توجه کنید (که یکی محبت و دیگری تقوا و عمل صالح رازمینه‌ساز عضویت در مجموعه اهل‌بیت می‌داند) :

امام باقر عليه‌السلام: «من احبنا فهو منا اهل البیت (53) «هر که ما را دوست‌بدارد از ما خاندان است

امام صادقعليه‌السلام : «من اتقی منکم و اصلح فهو منا اهل البیت . (54) «هر کس از شما که تقوا پیشه‌کند و در پی صلاح و اصلاح باشد ، او از مااهل‌بیت است .

توجه به این نکته مهم است که محبت‌به تنهایی ، بدون تقوا و صلاح واصلاح ، چندان کارساز نیست و محبت واقعی به همان همسویی می‌کشد .

## 4- توجه به عنایت اهل بیت‌به شیعه

پیروان و دوستداران اهل بیت‌عليهم‌السلام ، مورد عنایت و توجه و تقدیر خاندان‌پیامبرند . توجه داشتن و توجه دادن به این عنایت و محبت و تکریم ، محبت آنان را در دلها ایجاد می‌کند یا می‌افزاید . اهل بیت ، هوادارانشان رادوست دارند ، آنان را می‌شناسند ، آنان را شاخ و برگ درختی می‌دانند که به‌خودشان مربوط می‌شود ، در دنیا گرفتاری‌هایشان را حل می‌کنند ، در آخرت‌از آنان شفاعت می‌کنند و محبان خویش را از یاد نمی‌برند .

در این زمینه احادیث فراوانی است که به چند نمونه اشاره می‌شود :

1 - حذیفة بن اسید غفاری گوید : امام حسن مجتبیعليه‌السلام وقتی با معاویه‌صلح کرد و به مدینه برمی‌گشت همراهش بودم . پیش او یک بار شتر بودکه همواره همراه آن بود و جدا نمی‌شد . روزی گفتم : این بار چیست که از توجدا نمی‌شود ؟

فرمود : می‌دانی چیست ؟ گفتم : نه . فرمود : «دیوان است . گفتم : دیوان ودفتر چیست ؟ فرمود : دفتر شیعیان ماست ، نامهایشان در آن است : «دیوان‌شیعتنا فیه اسماؤهم . (55) .

2 - امام صادقعليه‌السلام به ابوبصیر فرمود :

« . . . و عرفنا شیعتنا کعرفان الرجل اهل بیته . (56) .

ما شیعیان خود را می‌شناسیم ، همانگونه که یک فرد ، خانواده خود رامی‌شناسد .

3 - امام سجاد عليه‌السلام فرمود : ما هر کس را ببینیم ، می‌شناسیم که مؤمن‌حقیقی است‌یا منافق . شیعیان ما ثبت‌شده‌اند و نامهایشان و نامهای‌پدرانشان معروف است ، خدا از ما و از آنان پیمان گرفته است ، هر جا که ماوارد شویم آنان نیز وارد می‌شوند :

«ان شیعتنا لمکتوبون معروفون باسمائهم و اسماء آبائهم ، اخذالله المیثاق علینا و علیهم ، یردون مواردنا و یدخلون‌مداخلنا» . (57) .

4 - امام کاظمعليه‌السلام در مورد آیه «وممن هدینا و اجتبینا» (58) فرمود :

«فهم والله شیعتنا الذین هداهم الله لمودتنا واجتباهم‌لدیننا . . . » . (59) .

به خدا قسم آنانند شیعیان ما ، آنان که خداوند بر مودت و دوستی ما هدایتشان کرده و برای آیین ما آنان را برگزیده است .

این که انسان توفیق مودت و پیروی این خاندان را داشته باشد ، توفیق‌ارزشمندی است که نصیب همه نمی‌شود و بر این نعمت معنوی بایدخداوند را سپاس گفت . عنایت دیگر ائمه ، در مورد حساب و شفاعت‌شیعه‌جلوه‌گر است که در حدیث‌بعد آمده است .

5 - امام صادقعليه‌السلام در ذیل آیه «ان الینا ایابهم ثم ان علینا حسابهم (60) فرمود :

«اذا کان یوم القیامة جعل الله حساب شیعتنا علینا . . . » . (61) .

چون روز قیامت فرا رسد ، خداوند حسابرسی شیعیان ما را برعهده مامی‌گذارد .

و در حدیث دیگری از آن حضرت است :

«نشفع لشیعتنا فلا یردنا ربنا» . (62) .

ما برای شیعیان خود شفاعت می‌کنیم ، خداوند هم شفاعت ما را ردنمی‌کند .

6 - امام صادقعليه‌السلام فرمود :

«اینما نکون فشیعتنا معنا» . (63) .

ما هر جا که باشیم ، پیروان ما با مایند .

حتی در ورود به بهشت نیز این همراهی وجود دارد ، علیعليه‌السلام فرموده‌است : از هشت در بهشت ، پنج در است که شیعیان و دوستداران ما اهل‌بیت از آن وارد می‌شوند :

« . . . و خمسة ابواب یدخل منها شیعتنا و محبونا» . (64) .

7 - امام صادقعليه‌السلام در مسجد ، گروهی از شیعیان را دید ، به آنان نزدیک‌شد و سلامشان داد و فرمود : به خدا قسم من بوی شما و روح شما را دوست‌دارم ، ما را با تقوا و تلاش ، یاری کنید . شما یاران دین خدایید ، شماپیشتازان به سوی بهشتید ، ما بهشت را برای شما تضمین کرده‌ایم ، هرچیزی شرفی دارد ، شرافت دین ، شیعه است . هر چیزی ستونی دارد ، ستون‌دین ، شیعه است . هر چیزی سروری دارد ، و بهترین مجالس و سرور آنها ، مجالس شیعه است :

«والله انی لاحب ریحکم و ارواحکم . . . انتم السابقون الی‌الجنة ، قد ضمنا لکم الجنان بضمان الله و رسوله . . . الا و ان لکل‌شی‌ء شرفا و شرف الدین الشیعة ، الا ان لکل شئ عمادا و عمادالدین الشیعة ، الا و ان لکل شئ سیدا و سید المجالس مجالس‌شیعتنا» . (65) .

8 - امام باقر عليه‌السلام درباره «شجره طیبه که در قرآن است ، فرمود : آن‌درخت ، حضرت رسول‌صلى‌الله‌عليه‌وآله است ، تنه آن ، علیعليه‌السلام است ، شاخه‌اش‌فاطمه‌علیها السلام است ، میوه‌هایش فرزندان فاطمه زهرایند و شیعه ، برگهای آن‌درخت‌اند (و اوراقها شیعتنا) هرگاه یکی از شیعیان ما از دنیا برود ، برگی ازآن درخت افتاده و هرگاه نوزادی برای شیعه به دنیا آید ، به جای آن برگ ، برگی می‌روید . (66) .

## 9- امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود :

«ان الله تعالی اطلع الی الارض فاختارنا واختار لنا شیعة‌ینصروننا و یفرحون بفرحنا و یحزنون لحزننا و یبذلون انفسهم‌و اموالهم فینا ، فاولئک منا و الینا وهم معنا فی الجنان . (67) .

خداوند بر زمین اشراف و عنایت و نگاه کرد پس ما را برگزید و برای ماپیروانی برگزید که ما را یاری می‌کنند ، با شادی ما شاد می‌شوند ، بر اندوه‌ما اندوهگین می‌شوند و جانها و مالهایشان را در راه ما خرج می‌کنند ، پس آنان از ما و به سوی مایند و آنان در بهشت‌با ما خواهند بود .

این نیز عنایت‌خدا و اهل بیت‌به پیروان این خاندان و برگزیدگی ومنتخب بودن صاحبان این محبت و ولایت را می‌رساند . این عنایات‌خاص ، موجب ازدیاد محبت انسان به این خاندان جود و کرم می‌شود ودلبستگی و دلدادگی می‌آورد .

درباره جایگاه و منزلت‌شیعه نزد ائمه اطهار و توجه خاصی که به‌موالیان خود دارند و مقامی که خدا برای سیراب‌شدگان از چشمه محبت وولای آل الله قرار داده ، آن قدر حدیث است که از شمار بیرون است . نقل‌آنها کتابی قطور خواهد شد . اما برای آشنایی با مضامین گوشه‌ای از این‌احادیث ، عنوان بعضی از این فضیلتها و ویژگیها را می‌آوریم : (68) .

شیعیان علیعليه‌السلام در قیامت‌سیراب ، و رستگار و کامیابند . شیطان برپیروان علیعليه‌السلام سلطه ندارد . شیعیان علی شیعه خدایند ، شیعیان علی ، آمرزیده‌اند ، در قیامت‌به دست علیعليه‌السلام از کوثر سیراب می‌شوند ، پیروان اودر دنیا و آخرت منصورند و برگه عبور از آتش می‌گیرند و ایمن‌اند ، اگر شیعه‌نبود ، دین خدا استوار نمی‌شد ، آنان بهترین بندگان و بر صراط حق‌اند ودین اهل بیت را گرفته‌اند ، شیعیان ما به خدا و به عرش خدا و به مانزدیک تر از دیگرانند ، پیروان ما گواه و شاهد بر مردم دیگرند ، ما و شیعه ما«اصحاب الیمین هستیم ، شیعیان ما هدایت‌یافته ، صابر ، گرانقدر ، صادق‌و رها از سلطه و نفوذ شیطانند ، پیروان ما هنگام رستاخیز ، با چهره‌های‌نورانی از قبرها برانگیخته می‌شوند و سواره به محشر می‌آیند ، با نور خدایی‌می‌نگرند ، از سرشت ما آفریده شده‌اند ، هم ما برگزیده‌ایم هم شیعیان ما ، آنان از شعاع نور ما خلق شده‌اند . خداوند در دنیا شیعه ما را از گناهانشان‌پاک می‌کند ، خداوند از شیعیان ما میثاق ولایت گرفته است ، ما گواه برشیعیانیم و شیعیان شاهد بر دیگرانند ، شیعیان ما می‌توانند نسبت‌به‌خانواده خود هم شفاعت کنند ، شهید شیعه بر شهدای دیگر برتری دارد ، پیروان با ایمان ما با پیامبر خویشاوندند و . . . صدها کرامت و فضیلت‌ارجمند .

البته این اوصاف و فضایل و جایگاه والا ، به همان اندازه که قیمتی ومحبت‌آور و دوست داشتنی است ، مسؤولیت و تعهد و مراقبت و دینداری‌بیشتری می‌طلبد ، تا انسان شایسته این همه مقام و رتبه شود (به نکایات‌پایانی این جزوه دقت کنید) .

## 5- بیان فضیلت‌حب آل پیامبرصلی الله علیه وآله

فعال ساختن کانال تبلیغ محبت اهل بیت‌عليهم‌السلام ، در جذب دیگران اثردارد . گفتن و مطرح کردن خوبیهای آنان مؤثر است . به عنوان یک دستورکار ، باید فضیلت ، آثار و برکات محبت اهل بیت‌عليهم‌السلام را بصورت پیوسته‌طرح کرد . به هر حال در عده‌ای اثر می‌گذارد و مردم به دنبال یک موج‌تبلیغاتی در رسانه‌ها یا مراکز فرهنگی ، به سمت و سویی گرایش می‌یابند . در این باره احادیث فراوان است . به عنوان نمونه : پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود :

الا و من مات علی حب آل محمد مات شهیدا ، .

الا و من مات علی حب آل‌محمد مات مغفورا له ، .

الا و من مات علی حب آل‌محمد مات مؤمنا مستکمل الایمان ، .

الا و من مات علی حب آل‌محمد بشره ملک الموت بالجنة ، .

الا و من مات علی حب آل‌محمد فتح‌له‌فی‌قبره بابان‌الی‌الجنة ، .

الا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائکة‌الرحمة . . . (69) .

هر کس با محبت آل محمد بمیرد ، شهید مرده است ، آمرزیده می‌شود ، باتوبه می‌میرد ، با ایمان کامل می‌میرد ، فرشته مرگ او را به بهشت مژده‌می‌دهد ، در قبرش دو در به روی بهشت گشوده می‌شود ، قبر او زیارتگاه‌فرشتگان رحمت الهی می‌شود .

چنین روایاتی فراوان است . ذکر اینها دلها را تکان می‌دهد و شیفته‌اهل‌بیت‌ عليه‌السلام می‌سازد . از جمله نکاتی که در فضیلت این محبت در روایات‌فراوان آمده است اینهاست :

- حب اهل بیت ، اساس دین و نظام دین است . (70) .

- حب اهل بیت ، حب خداست . (71) به قول مولوی :

این محبت از محبتها جداست .

حب محبوب خدا ، حب خداست .

- حب اهل بیت ، حب رسول خداست . (72) .

- حب اهل بیت ، هدیه الهی است . (73) .

- حب اهل بیت ، برترین عبادت است . (74) .

- حب اهل بیت ، باقیات الصالحات است . (75) .

پس وقتی حب اهل بیت‌عليهم‌السلام این همه فضیلت دارد ، باید ظرف دل را ازمحبت آنان پر کرد و عشقها و علاقه‌ها را نثار آنان نمود که شایسته‌ترین‌افراد برای دوست داشتن و عشق ورزیدن‌اند و ارزش دل به عنوان یک‌ظرف ، بستگی به محتوای محبتی دارد که در آن است . قیمت انسان ، به‌عشقی است که در ظرف دلش جای می‌گیرد . هر چه آن معشوق و محبوب ، ارزشمندتر و نفیس‌تر باشد ، انسان هم قیمتی‌تر و پربهاتر می‌شود .

رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود : ای مردم ! پیوسته مودت ما خاندان را داشته‌باشید و از آن جدا نشوید ، هر کس خدا را در حالی ملاقات کند که مودت مارا داشته باشد ، با شفاعت ما وارد بهشت می‌شود . (76) .

## 6- طرح نیازمندی و بهره‌مندی از این محبت

انسان معمولا مجذوب کسی یا جایی می‌شود که گره از کار او بگشاید وبهره برساند . در رابطه‌های اجتماعی افراد ، به وضوح این مساله دیده‌می‌شود . در زندگی ممتد و مستمر ما که تا آخرت ادامه می‌یابد ، کجاها گیرمی‌کنیم و نیاز به کمک داریم ؟ هنگام مرگ ، در برزخ ، در رستاخیز ، هنگام‌عبور از صراط و . . . که بشدت نیازمند و گرفتاریم ، به کارسازی محبت‌اهل‌بیت‌عليهم‌السلام آگاه می‌شویم . در این زمینه هم حدیث‌بسیار است از جمله‌این چند حدیث مشهور رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله :

1 - «حبی و حب اهل بیتی نافع فی سبعة مواطن اهوالهن‌عظیمة : عند الوفاة و فی القبر و عند النشور و عند الکتاب وعند الحساب و عند المیزان و عند الصراط . (77) .

حب من و محبت اهل بیت من در هفت جا سود می‌بخشد ، هفت جایی‌که هول و هراس آنها عظیم است : هنگام مرگ ، در قبر ، هنگام برخاستن‌از قبر ، هنگام تحویل نامه اعمال ، هنگام حساب و بررسی اعمال ، هنگام سنجش عملها و هنگام عبور از صراط .

2 - «سال رجل رسول الله عن الساعة ، فقال : ما اعددت لها ؟ قال : ما اعددت لها کبیرا ، الا انی احب الله و رسوله . قال : فانت‌مع من احببت (المرء مع من احب) قال انس : فما رایت‌المسلمین فرحوا بعد الاسلام بشی‌ء اشد من فرحهم بهذا» . (78) .

مردی از پیامبر پرسید که قیامت کی است و چگونه است ؟ حضرت‌پرسید : برای قیامت چه آماده کرده‌ای ؟ گفت : چیز مهمی آماده نکرده‌ام ، جز اینکه خدا و پیامبرش را دوست دارم . حضرت فرمود : تو با کسی‌هستی که دوست می‌داری (انسان با کسی محشور می‌شود که دوستش‌دارد) . انس گوید : من ندیدم که مسلمانان ، پس از اسلام به چیزی بیش‌از این سخن خوشحال شوند .

3 - علیعليه‌السلام : «من احبنا کان معنا یوم القیامة ، ولو ان رجلااحب حجرا لحشره الله معه . (79) .

هر کس ما را دوست‌بدارد ، در روز قیامت‌با ما خواهد بود ، اگر کسی یک‌سنگ را دوست‌بدارد ، خداوند او را با آن سنگ محشور می‌سازد .

این مژده بزرگی است که علاقه‌مند به اهل‌بیت‌عليهم‌السلام بداند که در آخرت‌هم با آنان محشور خواهد بود . وقتی محبت تا این اندازه کارساز است ، چرااین گنج را نداشته باشیم ؟

امام صادقعليه‌السلام می‌فرماید : دم مرگ ، وقتی که جانتان به گلوگاه می‌رسد ، بیشترین نیاز را به محبت ما دارید . اگر حب ما در دلتان بود ، فرشته‌مژده‌رسان می‌آید و می‌گوید : هراسی نداشته باش ، که ایمن شدی . (80) .

آثار محبت اهل بیت‌عليهم‌السلام در روایات ، بسیار فراوان ذکر شده است ، جمع‌بندی این آثار و منافع ، بخصوص برای مرحله آخرت ، در این عنوانهامی‌گنجد : (81) .

- موجب از بین رفتن گناهان می‌شود . (82) .

- دل را پاک می‌سازد . (83) .

- در دل ، حکمت جاری می‌سازد . (84) .

- کمال دین است . (85) .

- موجب برخورداری از شفاعت است . (86) .

- نور در قیامت است . (87) .

- ایمنی در قیامت است . (88) .

- موجب ثبات در صراط است . (89) .

- از آتش دوزخ نجات می‌دهد . (90) .

- موجب محشور شدن با اهل بیت است . (91) .

- انسان را بهشتی می‌سازد . (92) .

- موجب خیر دنیا و آخرت و نجات از عذاب قبر است . (93) .

حضرت رسول‌صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود : خداوند به هر کس محبت امامان از اهل‌بیت‌مرا روزی کند به خیر دنیا و آخرت رسیده و بی‌شک اهل بهشت است و درحب اهل‌بیت من بیست‌خصلت و فایده است ، ده تا در دنیا و ده تا درآخرت . (94) .

توجه به آثار و برکات این محبت ، سبب شیفتگی انسان به اهل‌بیت‌عليهم‌السلام می‌شود و این گوهر گرانبها را در نظر افراد ، ارزشمند می‌سازد . نمونه‌های متعددی نقل شده از کسانی که به خواب زندگان آمده‌اند و چون‌از اوضاع و احوال پس از مرگ از آنها سؤال شده ، در پاسخ گفته‌اند : بازارعمل خیلی کساد است ، آنچه ما را نجات داد ، محبت‌خاندان پیامبر بود . این نیز بخشی از نیازمندی ما را به محبت و کارساز بودن مودت اهل‌بیت‌نشان می‌دهد .

## 7- ارزش جلوه دادن محبت اهل بیت‌علیهم السلام

وقتی کاری مورد تقدیر و تشویق قرار می‌گیرد و به عنوان «الگو» مطرح‌می‌شود ، در دیگران هم جذبه و کشش ایجاد می‌کند . ارزشگذاران جامعه ، مسؤولان فرهنگی هنری ، برگزارکنندگان مسابقات ، جایزه‌دهندگان ، اینهاهمه در ارزش به شمار آمدن این محبت نقش دارند . وقتی کسی به خاطرشعر گفتن یا قصه نوشتن یا کتاب خواندن در مورد ائمه‌عليهم‌السلام تشویق شود ، هم محبت پیدا می‌کند و هم به خاطر این پیوند ، احساس عزت و سربلندی‌دارد . چون می‌داند که این کیف و چادر و کتاب و جایزه را به خاطر این‌موضوع جایزه گرفته است و از آن قضیه ، خاطره شیرینی به یادش می‌ماندکه در پدید آوردن این جذبه ، مؤثر است .

افراد نسبت‌به هر چه مورد تشویق و احترام قرار می‌گیرند ، از جمله‌گرایشهای مذهبی و علاقه به اهل‌بیت ، به آنها علاقه بیشتری پیدامی‌کنند و اگر بی‌توجهی و برخورد سرد ببینند ، دلسرد و زده می‌شوند . دراین زمینه ، بخصوص تشویق در حضور دیگران مؤثرتر است . البته بایددقت کرد که تشویق ، حالت «رشوه پیدا نکند .

در جامعه به هر چه بها داده شود ، هم نسبت‌به آن گرایش پیدا می‌شودو هم طرفداران ، با غرور و افتخار آن را مطرح می‌کنند . مثلا وقتی از جوانهامی‌پرسند : درباره چه چیزی شعر می‌گویید ، اغلب می‌گویند : عشق ، بهار ، دوستی ، زندگی ، گل و بلبل و . . . وقتی از نوجوانان و جوانان پرسیده می‌شود : چه کتابهایی می‌خوانید ، می‌گویند : رمان ، کتابهای علمی ، داستانهای‌تخیلی و . . .

گویا سختشان است‌بگویند که درباره خدا و نماز و ائمه‌عليهم‌السلام شعرمی‌گوییم یا کتابهای مربوط به اهل‌بیت‌عليهم‌السلام و کتب دینی می‌خوانیم . چون‌از این جهت مورد تشویق قرار نمی‌گیرند و با نام اینها آب دهانشان راه‌نمی‌افتد و احساس غرور شخصیت و بالیدن و فخر فروختن نمی‌کنند .

باید شرایطی پیش آورد که اگر کسی درباره اهل بیت‌عليهم‌السلام ، شعر گفت ، شعر حفظ کرد ، حدیث‌حفظ کرد ، کتاب خواند ، قصه نوشت ، فیلم ساخت ، تابلوی هنری کشید ، یا حتی نام ائمه‌عليهم‌السلام را داشت‌یا نام اهل‌بیت عليه‌السلام ‌راروی فرزند خود گذاشت ، احساس افتخار و سربلندی کند و این را ارزش‌احساس کند و ارزنده تلقی کند . حب اهل‌بیت ، لطف و موهبت ویژه الهی‌است که در دلهای شایسته جای می‌گیرد . به فرموده حضرت رضا عليه‌السلام:

«یهدی الله لولایتنا من احب . (95) .

خدا هر که را دوست‌بدارد ، به ولایت ما راهنمایی می‌کند .

به قول شهریار :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چه شاعران که هم اهل صفا و مرد رهند  |  | ولی «مقام ولایت به هرکسی ندهند  |

معمولا اشخاصی که به خاطر مثلا نام علی ، مهدی ، فاطمه ، حسین و . . . در مناسبتهای ویژه امامان ، جایزه می‌گیرند ، نسبت‌به این نام‌ها وصاحبان آنها علاقه پیدا می‌کنند و دیگران هم آروز می‌کنند که کاش‌چنین نامهایی داشتند و به مواهب و هدایایی نایل می‌شدند . به این نکته‌باید چنان ظریف عمل شود که شوق داشتن چنین نامهایی در دل ایجادشود ، نه آنکه به خاطر نداشتن این اسامی ، عقده و بدبینی و احساس‌حقارت پدید آید و اثر منفی به بار آورد . این محبت‌باید چنان نفیس وقیمتی معرفی شود که دارنده آن ، به داشتنش افتخار کند و آن را کوچک‌نشمارد . توصیه امام صادقعليه‌السلام است که : مودت و دوستی ما را کوچک‌نشمارید ، چرا که از باقیات صالحات است . (96) .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مهر تو را به عالم امکان نمی‌دهم  |  | این گنج ، پربهاست ، من ارزان نمی‌دهم  |

وقتی از رسانه‌ها ، تلویزیون ، مسابقات و گزارشها ، «الگو» معرفی‌می‌شود ، تاثیرگذار است و همان الگوی مطرح شده ، محبوب دلها می‌شود ، خواه یک فوتبالیست‌باشد ، یا آوازخوان ، یا حافظ قرآن ، یا مخترع ، یا نقاش‌و شاعر و هرکس در هر زمینه و موردی مورد تشویق و تکریم قرار گیرد ، همان «جهت ، مورد توجه مخاطبان اینگونه برنامه‌ها واقع می‌شود . تشویق یک هنرپیشه ، گرایش به هنر را افزایش می‌دهد ، تشویق یک‌حافظ قرآن ، علاقه به قرآن و قرائت و حفظ ، پدید می‌آورد و بزرگداشت‌یک‌دانش‌آموز موفق در المپیادهای علمی ، گرایش علمی جوانان را بالا می‌برد .

چهره‌ها ، شعرها ، شاعران و شخصیتهای علمی ، ادبی و هنری که حتی‌در کتب درسی کودکان و نوجوانان مطرح می‌شود ، محبت و علاقه‌می‌آفریند . از این رو در گزینش اینگونه چهره‌ها نیز باید دقت کرد ، چون‌معرفی یک شاعر ولایی و انقلابی ، نوعی الگو دادن است و گرایشهای‌مذهبی و اهل‌بیتی می‌آورد .

امام صادقعليه‌السلام فرمود :

«یا معشر الشیعة ! . . . علموا اولادکم شعر العبدی فانه علی‌دین الله . (97) .

ای گروه شیعه ! به فرزندانتان شعر «عبدی را بیاموزید ، چرا که او بر دین‌خداست .

این توصیه امام صادقعليه‌السلام که شیعیان شعر عبدی کوفی (98) را به‌بچه‌هایشان یاد بدهند ، بزرگترین تشویق و الگودهی است . شعر عبدی ، ازفضیلتهای اهل بیت‌عليهم‌السلام ، موج می‌زد . «سید حمیری که از شاعران متعهدشیعه است می‌گفت : هر کس حدیثی بگوید از فضایل علیعليه‌السلام و اهل‌بیت‌عليهم‌السلام که من آن را در شعرم نگفته‌ام ، این اسبم را به او می‌بخشم !

ابوطالب ، پدر حضرت علیعليه‌السلام از موحدان و مؤمنان به پیامبر اکرم بود ودر وصف او اشعاری سروده است . نقل است که حضرت علیعليه‌السلام دوست‌می‌داشت که شعرهای ابوطالب نقل و تدوین گردد و فرمود : آنها را یادبگیرید و به فرزندانتان هم بیاموزید ، چرا که ابوطالب ، بر دین خدا بود و درشعر او دانش بسیاری است :

«کان امیرالمؤمنینعليه‌السلام یعجبه ان یروی شعر ابی‌طالب وان‌یدون وقال : تعلموه وعلموه اولادکم ، فانه کان علی دین‌الله‌وفیه علم کثیر» . (99) .

این نیز نمونه دیگری در الگودهی فرهنگی و ادبی و توجه به محتوا ودرونمایه مثبت و سازنده شعر و شاعر است که در انتقال به فرزندان بایدمورد توجه قرار گیرد .

دختر ابو الاسود دوئلی وقتی فهمید که خلیفه ، عسل را فرستاده تامحبت اهل بیت‌عليهم‌السلام را از دل آنها بیرون کند ، آنچه را خورده بود ، پس آورد ، و نخواست‌با خوردن عسل ، مهر آل علی را از دست‌بدهد . (100) .

معلمان در این مسائل خیلی می‌توانند خط دهی داشته باشند و به‌گرایشها و الگوگیریهای نوجوانان هت‌بدهند . حتی اگر یک دختر و پسرغیر متعهد ، به خاطر اینکه اسمشان مهدی یا زینب و فاطمه است جایزه‌بگیرند ، همین تاثیر ضمنی در ایجاد محبت می‌کند . اگر اهدای جوایز ، درسالروز مناسبتهای دینی و اهل‌بیتی انجام گیرد ، بخصوص ولادتهای‌معصومین ، در ایجاد زمینه‌های گرایش مؤثر است .

در احادیث‌شفاعت آمده است که روز قیامت ، حضرت زهرا عليه‌السلام شیعیان‌را شفاعت می‌کند . آنان که مورد شفاعت قرار گرفته‌اند ، از خدا می‌خواهندکه منزلت و قدرشان آن روز معلوم گردد . به آنان خطاب می‌شود : برگردید وبنگرید ، هرکس به خاطر محبت فاطمه‌ عليه‌السلام شما را دوست داشته ، یا به شماطعام و لباس داده و آب نوشانده ، یا از آبروی شما دفاع کرده ، دست او رابگیرید و وارد بهشت‌سازید . (101) این نیز نشان دهنده ارزش این محبت واثربخشی آن در قیامت است .

## 8- تعظیم و تکریم و تعریف

جوانان ، به خاطر حالت الگوگیری از مربیان ، حتی از حالات و رفتار آنان‌هم سرمشق می‌گیرند و نکته می‌آموزند . حالات و حرکات معلم و مربی به‌صورت «آموزش غیرمستقیم در شاگردان اثر می‌گذارد . مقام معظم‌رهبری آیة‌الله خامنه‌ای در دیدار با معلمان فرمود :

«عزیزان من ! معلمان و معلمات عزیز ! شماها در سر کلاس ، نه فقط درسی که می‌دهید ، بلکه نگاهی که می‌کنید ، اشاره‌ای که می‌کنید ، لبخندی که می‌زنید ، اخمی که می‌کنید ، حرکتی که انجام می‌دهید ، لباسی که می‌پوشید ، بر روی دانش آموز اثر می‌گذارد . ما به خودمان که‌مراجعه می‌کنیم ، عمیقترین احساسات و عواطف و حالات خودمان را اگرریشه‌یابی کنیم ، در انتهای خط یک معلم را مشاهده می‌کنیم . معلم‌است که ما را می‌تواند شجاع یا جبان ، بخشنده یا بخیل ، فداکار یاخودپرست ، اهل علم و طالب علم و فهم و فرهنگ ، یا منجمد و بسته وپای‌بند به تفکرات جامد بار بیاورد . معلم است که می‌تواند ما را متدین ، باتقوا ، پاکدامن ، یا خدای ناکرده بی‌بند و بار ، بار بیاورد . معلم چنین‌نقشی دارد . این ارزش معلم است ، این تاثیر معلم است . (102) .

نحوه برخورد اولیاء ، معلمان و مربیان با اهل بیت‌عليهم‌السلام در حضورفرزندان و جوانان ، به آنان هم یاد می‌دهد . نام ائمه‌عليهم‌السلام را با تکریم و احترام‌یاد کردن ، همراه اسمشان درود و صلوات فرستادن ، به احترام نام امام زمان عج برخاستن و دست‌بر سر نهادن ، روز میلاد ائمه‌عليهم‌السلام را جشن گرفتن وبزرگ داشتن ، روز وفاتشان حریم نگهداشتن و حرفهای خنده‌دار وبرخوردهای شاد نداشتن ، در غم و اندوهشان حالت غم داشتن ، تاثیرگذاراست . در اینگونه مسائل ، کوچکترها به بزرگترها نگاه می‌کنند . این حالت ، خصلت‌شیعه است :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| «شیعتنا خلقوا من فاضل طینتنا  |  | ، یفرحون لفرحنا و یحزنون‌لحزننا»  |

.

شیعیان ما از اضافه سرشت ما آفریده شده‌اند . با شادی ما شد می‌شوندو برای اندوه ما اندوهگین می‌شوند .

حتی کیفیت نام بردن و لحن ما در این مساله ، مؤثر است . یک وقت‌می‌گوییم : «امام رضا گفت و یک وقت می‌گوییم ، «حضرت امام رضا عليه‌السلام فرمودند» . این دو با هم خیلی فرق دارد . اگر هنگام شنیدن نام پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله یا یکی از معصومین‌عليهم‌السلام ، زیر لب صلوات بر آنها بفرستیم ، این هم نوعی‌تکریم است و در دیگران تاثیرگذار . اگر بزرگترها ، معلمان ، مربیان ، با شوق‌و ابتهاج و اظهار شیفتگی از ائمه حرف بزنند و از اهل‌بیت و محبت آنان‌سخن و داستان بگویند ، مؤثر است . گوینده و تبلیغ‌کننده باید عقیده‌اش‌هم همان باشد که می‌گوید و با عقیده و باور و شوق و علاقه حرف بزند . این‌حالت‌به شنوندگان و مخاطبان هم منتقل می‌شود . انتقال حس و حالت ازگوینده به شنونده و تماشاگر بدیهی است .

در احادیث مکرر ، آمده است که هنگام شنیدن نام محمدصلى‌الله‌عليه‌وآله بر او درودبفرستید . خود امامان نیز اینگونه عمل می‌کردند و با شوق و احترام از اهل‌بیت‌یاد می‌کردند و این احساس به مخاطبین هم منتقل می‌شد . وقتی دعبل ، شاعر اهل بیت ، قصیده معروف خویش را برای امام رضا عليه‌السلام درخراسان خواند ، چون به آنجا رسید که از امام زمانعليه‌السلام و ظهور و قیام او درآینده یاد می‌کند ، حضرت دست‌بر سر گذاشت و به نشان تواضع در برابرنام مهدیعليه‌السلام ، ایستاد و برای فرج آن حضرت دعا کرد . (103) .

از امام صادقعليه‌السلام درباره حضرت قائمعليه‌السلام پرسیدند که آیا او متولد شده‌است ؟ حضرت فرمود : نه ، ولی اگر من او را دریابم ، در طول حیاتم خدمتگزاراو خواهم بود . (104) .

امام باقر عليه‌السلام چون از آن حضرت یاد کرد ، خطاب به راوی (ام هانی‌ثقفیه) فرمود : خوشا به حال تو ، اگر او را دریابی ، خوشا به حال کسی که او رادریابد و دیدار کند . (105) .

امامان ، نسبت‌به نام حضرت رسول و حضرت فاطمه ، با احترام وتقدیس یاد می‌کردند . رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله دست فاطمه زهرا عليه‌السلام را می‌بوسید ، به احترام او برمی‌خاست ، او را در جای خودش می‌نشاند ، بر دستان و دهان ‌او بوسه می‌زد و بارها می‌فرمود : پدرت به فدایت ، پدر و مادرم به فدایت . (106) .

امام کاظم عليه‌السلام فرمود : در خانه‌ای که نام محمد ، احمد ، علی ، حسن ، حسین ، فاطمه باشد ، فقر وارد نمی‌شود . (107) .

سکونی در دیدار با امام صادقعليه‌السلام وقتی به آن حضرت خبر داد که‌خداوند به او دختری عطا کرده است ، حضرت پرسید : او را چه نامیده‌ای ؟ گفت : فاطمه . امام فرمود : آه ، آه . سپس دست‌بر پیشانی خویش نهاد . . . آنگاه به او توصیه کرد : حال که نامش را فاطمه نهاده‌ای ، به او ناسزا مگو و اورا مزن . (108) .

نامگذاری فرزندان به نامهای خاندان پیامبر و توجه دادن به آثار وبرکات دنیوی و ثواب اخروی این نامها و توصیه اهل بیت‌به اینگونه‌نامگذاری و نقشی که این نامها در شکل دادن به شخصیت فرزندان دارد ، در ایجاد این رابطه و محبت مؤثر است . (109) .

در سالهای اخیر نسبت‌به برخی از مناسبتها مثلا ایام فاطمیه یا روززن ، در مورد حضرت فاطمه‌ عليه‌السلام بیش از گذشته ، کار فرهنگی و تبلیغی وگرامیداشت انجام شده است ، یا نسبت‌به امام زمان عليه‌السلام . این است که‌می‌بینیم به همین تناسب ، محبت‌حضرت فاطمه‌ عليه‌السلام و حضرت‌مهدی عج و گرایش به این دو نسبت‌به گذشته بیشتر شده است ، بخصوص در میان جوانان . گرایش به عزاداری برای امام حسینعليه‌السلام و شورروزافزون ایام عاشورا نیز ریشه در همین تکریم‌ها و ترویجها دارد . برخوردامام راحل و مقام معظم رهبری با این مساله ، مایه پرشوری این تعظیم‌شعائر در میان مردم و جوانان شده است .

کسانی که به هر نحو و جهتی مورد توجه افراد و بویژه جوانان درجامعه‌اند و حرفها ، طرفداریها ، موضع گیریها و یادکردن‌هایشان برای‌دیگران الگوست و افراد را به سمت و سویی خاص سوق می‌دهد ، اگر ازاهل‌بیت ، یاد کنند و با شور و شوقی و احترام و تعظیمی نام ببرند در دیگران‌تاثیر می‌گذارد . مثلا آنکه یک چهره علمی ، سیاسی ، ادبی ، عرفانی ، هنری ، ورزشی و . . . است و مورد توجه عامه و جوانان است ، وقتی از دین ، نماز ، شهید ، اسلام ، قرآن ، اهل‌بیت‌یاد کند و با احترام برخورد کند ، در افرادی که‌به این الگوها و چهره‌ها دل بسته‌اند و دنباله‌رو اینهایند ، محبت ایجادمی‌کند . همچنان که در بعد منفی هم اثر منفی دارد . اگر چهره‌های یادشده ، مثلا از یک شخص ، از یک جنس و کالا ، از یک مکتب و مرام ، از یک‌سنت و مراسم ، از غرب و اروپا ، از فلان کتاب و فلان شاعر و فلان برنامه‌تلویزیونی و فیلم سینمایی و . . . تعریف کنند یا خود را طرفدار آن جلوه‌دهند ، در بعد تبلیغی و گرایش به سوی آنها مؤثر است . پس باید از این‌جنبه و حس تقلیدپذیری کودکان و نوجوانان که به دهان و رفتار دیگران‌نگاه می‌کنند و الگو می‌گیرند ، در مسیر اهل‌بیت‌ عليهم‌السلام استفاده مثبت کرد و ازحالت «همانند سازی که در بحث الگوها مطرح است ، برای جذب آنان به‌معصومین و اهل‌بیت ، بهره گرفت .

مثلا دیدن عکس امام امت در حال بوسیدن حرم و ضریح ، ایجادمحبت‌به صاحب حرم می‌کند ، چون عمل امام برای دیگران الگو وتاثیرگذار است .

یا ذکر این نکته که علامه طباطبایی روزه خود را با بوسه زدن بر ضریح‌حضرت معصومه عليه‌السلام افطار می‌کرد ، و وقتی تابستانها به مشهد مشرف‌می‌شد ، وقتی از او تقاضا می‌کردند در اطراف مشهد ، جای خوش آب وهواتری اقامت کند ، قبول نمی‌کرد و می‌فرمود : ما از پناه امام هشتم جای‌دیگر نمی‌رویم ، .

بیان این که حضرت امام قدس سره وقتی قم بود ، پیوسته هر غروب حضرت‌معصومه‌ عليه‌السلام را زیارت می‌کرد و در ایام اقامت در نجف ، هر شب به زیارت‌حرم مولا مشرف می‌شد ، .

بیان حالتهای خاص علامه امینی در هنگام زیارت و حالت‌شوقی که‌به اهل‌بیت‌عليهم‌السلام و علیعليه‌السلام داشت و با چشمی اشکبار و شور و حالی‌تماشایی حضرت امیر عليه‌السلام را زیارت می‌کرد ، .

یا اشاره به اینکه آیة‌الله بروجردی به آستانه حضرت معصومه سفارش‌کرد که اسم مرا هم جزو خدام افتخاری حضرت معصومه‌ عليه‌السلام بنویسید ، (هم‌اکنون نیز برخی از مراجع تقلید در قم ، جزو خدام افتخاری این‌آستانه‌اند و در جلسات خدام افتخاری شرکت می‌کنند) .

یا اینکه به شیخ انصاری گفتند شما آستان حضرت ابوالفضل راببوسید ، تا مردم به کار شما نگاه کنند و ادای احترام بیشتر به آن حضرت‌کنند و تشویق شوند ، فرمود : من آستان حضرت ابوالفضل را نه به خاطراینکه آستان اوست ، بلکه به خاطر اینکه جای پای زوار آن حضرت است‌می‌بوسم و افتخار می‌کنم . . . ذکر اینگونه نمونه‌ها در دل افراد دیگر هم اثرمی‌گذارد و محبت می‌آفریند .

حضرت امام خمینی‌قدس سره که محبوب دلها و الگوی همه است ، در مقدمه‌وصیتنامه خویش ، با تعبیر مکرر «ما مفتخریم که . . . » به پیروی از مذهب‌شیعه ، به داشتن نهج‌البلاغه ، ادعیه حیات‌بخش ائمه ، مناجات شعبانیه ، دعای عرفه ، صحیفه سجادیه ، صحیفه فاطمیه ، امامت ائمه دوازده‌گانه ، وجود امام باقر ، جعفری بودن مذهب و . . . مباهات و افتخار می‌کند . وقتی‌شخصیت عظیمی همچون امام ، با افتخار از ائمه و مذهب و ادعیه و صراطشیعه و . . . یاد می‌کند ، در ذهن شیفتگان او نیز تاثیر می‌گذارد و این محبت‌به دل آنان نیز نفوذ می‌کند (ما مفتخریم که باقرالعلوم ، بالاترین شخصیت‌تاریخ . . . از ماست ، ما مفتخریم که ائمه معصومین . . . ائمه ما هستند ، مامفتخریم که مذهب ما جعفری است . . . ) .

اینگونه یادکرد بزرگان و چهره‌های محبوب ، از بزرگان دین و اهل بیت ، محبت می‌آفریند .

طبعا زبان و بیان خاص مربوط به نوجوانان و جوانان ، چه در سخن‌ها وچه در نوشته‌ها باید مراعات شود و افق فکر و سطح معرفت کودکان در نظرگرفته شود ، چه در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی ، چه در صبحگاهها ومراسم جشن و عزا ، در خانه‌ها ، مدارس و مساجد و هیئتها .

9- برپایی مراسم و تعظیم شعائر

نحوه برخورد بزرگترها با مناسبتهای ویژه اهل بیت ، در فکر و روح‌کودکان هم مؤثر است . برپایی مراسم جشن یا سوگواری ، شرکت کردن وشرکت دادن در چنین برنامه‌هایی مؤثر است . در سایه اینگونه تعظیم‌شعائر ، آن فرهنگ دینی و علقه‌های ولایی پابرجا می‌ماند و تقویت‌می‌شود . امامان معصوم‌عليهم‌السلام نیز از این شیوه بهره می‌گرفتند و به آن توصیه‌می‌کردند . برای پیروان اهل بیت ، تکریم مناسبتهایی همچون ایام عاشوراو روز غدیر ، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است . اهل بیت ، به این دو مناسبت‌بسیار بها می‌دادند . «غدیر خم را یک عید بزرگ اسلامی می‌دانستند و به‌روزه و عبادت و تبریک‌گویی و دید و بازدید و شادمانی و پوشیدن لباس نو واحترام این روز دستور می‌دادند ، تا در ذهن شیعه ، به عنوان یک روز مهم وبه یادماندنی باقی بماند . (110) .

نسبت‌به ایام عاشورا نیز ، مراسم گرفتن در خانه‌ها ، مدرسه‌ها ، ادارات ، بازارها و . . . مؤثر است . در بسیاری از خانه‌ها و خانواده‌ها که مراسم دیرین ودرازمدت «روضه خانگی برقرار می‌شود ، معمولا افراد آن خانه با حب اهل‌بیت‌بار می‌آیند و این محبت و ولا را به عنوان یک گوهر ، حفظ می‌کنند .

حتی ترویج مسائلی همچون اطعام ، احسان ، وقف ، نذر ، هدیه در راه‌اهل بیت ، به رسوخ این محبت در قلوب ، کمک می‌کند . حفظ سنتهای‌دینی در خانواده‌ها و گسترش آن به مدرسه‌ها ، مجتمع‌ها و مجموعه‌های‌انسانی ، می‌تواند مفید باشد .

برگزاری جشنهای میلاد امام زمانعليه‌السلام در این میان اهمیت‌خاصی‌دارد و ایجاد شوق به مناسبت تولد امامی که هنوز هم زنده است و حاضر وناظر بر ماست و ما چشم به راه آمدن اوییم ، بعد عاطفی و عشق‌آفرینی‌بیشتری دارد . زمینه آن نیز به طور طبیعی در میان کودکان و نوجوانان‌وجود دارد و نیمه شعبان خاطره‌ای فراموش نشدنی برای آنان است .

10- استفاده از حس کمالجویی

مردم به «کمال و «جمال گرایش دارند . کمال جویی انسانی ، بویژه درسنین نوجوانی و جوانی سبب می‌شود به سوی انسانهای برتر ، ابر انسانها ، الگوهای قدرت و علم و شهرت و محبوبیت جذب شوند و حس‌قهرمان‌گرایی خود را در عشق ورزیدن به آن الگوهای آرمانی ارضاء کنند واگر هم چنین الگوها و قهرمانهایی وجود نداشته باشند ، آنها را می‌سازند ومی‌پردازند ، حتی در خیال خویش . نظریه قهرمان‌گرایی برای کمال ، بخصوص در قشر جوان و نوجوان ، امری روشن است ، فرد ، بویژه درنوجوانی همواره به قهرمان توجه دارد و «اگر بدان دسترسی نداشته باشد ، حتی در عالم خیال و رؤیا از بسیاری از جهات او را الگو و مدل رفتار خویش‌قرار می‌دهد و از تصور خاص خود از او ، از رفتار او ، از گفتار او ، از طرز لباس‌پوشیدن و از قیافه و هر چیز مرتبط با او الهام می‌گیرد . قهرمان منتخب ، کعبه انطباق رفتار نوجوان است . (111) «قهرمانان ، خدایان زمین‌اند . بشر درآنان نیز قدرت ، کمال و جمال آسمانی یا می‌جوید یا به آنان نسبت می‌دهد . بتی با دست‌خویش می‌تراشد ، صفتهای خدایی به او نسبت می‌دهد وآنگاه معبود خود ساخته‌اش را می‌پرستد» . (112) .

حال که چنین است ، هر چه این قهرمانان و الگوها ، متعالی‌تر ، کامل‌تر ، آسمانی‌تر و خدایی‌تر و بی‌عیب‌تر باشند ، مدار جاذبه قوی‌تری ایجادمی‌کند و این کشش و محبت ، سازنده‌تر خواهد بود . (113) .

باید از حس آرمان‌گرایی بهره گرفت و توسط اهل‌بیت ، این خلا را پرکرد . اهل‌بیت از نظر قدرت جسمی ، قدرت روحی ، کرامات و معجزات ، اتکاءبه قدرت خدا ، برخورداری از علم لدنی و الهی ، فضیلت و کمال ، از همه‌انسانها برترند . مظهر کمال و جمال الهی‌اند .

طرح شجاعتها ، فضایل و معجزات و کراماتشان ، شفادادن‌ها و رفع‌مشکلات و مقام شفاعت نزد خداوند و رفع حاجت توسل جویندگان ، درایجاد علاقه نسبت‌به آنان مؤثر است . وعاظ و مرثیه‌خوانانی که در ایام‌سوگواری ، از حوادث عاشورا سخن می‌گویند و با ذکر مصائب و مظلومیت‌اهل بیت ، دلها را به سوی آنان جذب و معطوف می‌کنند ، اگر در کنار این‌شداید ، از رشادتها و قهرمانی‌های شهدای کربلا هم بگویند ، آن چهره‌هامحبوب‌تر می‌شوند . گاهی خود افراد به واعظ می‌گویند : از شجاعت ورزم‌آوری عباس و علی اکبر و امام حسین برایمان بگو . این نشان‌دهنده‌این است که بیان ابعاد حماسی این الگوها ، جامعیت و کمال بیشتری را درذهن مخاطب ، ترسیم می‌کند و بر علاقه‌ها می‌افزاید .

البته از معجزات و کرامات ، باید آنهایی را برای کودکان و نوجوانان گفت‌که قابل فهم و هضم برای آنان باشد .

اگر جوانان و کودکان ، شیفته انسانهایی می‌شوند که از نظر علمی ، فنی ، نبوغ ادبی ، ورزیدگی جسمی ، شجاعت و توانمندی ، روحیه‌های والا ، زیبایی ، بخشندگی و جوانمردی در سطح بالایی قرار دارند ، باید گفت که‌اهل بیت ، از نظر علم ، زهد ، قدرت ، فصاحت و بلاغت ، شجاعت و سخاوت ، کمال صورت و سیرت ، عبادت و عرفان ، زیبایی و جمال ظاهری ، مردانگی‌و گذشت و احسان ، صبر و مقاومت از همه انسانها برتر و بالاترند . طرح‌آنان بعنوان چهره‌های آرمانی ، محبتشان را در دلها می‌آفریند . کدام‌مشخصه و خصلت و فضیلت جاذبه‌آفرین و دوست داشتنی و محبت‌آور رامی‌توان نام برد که حد اعلا و بالاترین مرتبه آن در اهل‌بیت عصمت ، تجلی نداشته باشد ؟

در حدیثی ، امام رضا عليه‌السلام در توصیف دین و مرام ائمه اهل‌بیت ، چنین‌می‌فرماید :

«و ان من دینهم الورع والعفة والصدق والصلاح و الاجتهاد واداء الامانة الی البر والفاجر و طول السجود والقیام باللیل واجتناب المحارم و حسن الصحبة و حسن الجوار و بذل‌المعروف و کف الاذی و بسط الوجه والنصیحة والرحمة‌للمؤمنین . (114) .

پرهیزکاری ، پاکدامنی ، راستگویی ، شایستگی ، تلاش ، امانت‌داری‌نسبت‌به نیک و بد ، سجود طولانی ، شب‌زنده‌داری ، پرهیز از حرامها ، معاشرت خوب و رفتار مناسب با همسایه ، بخشش نیکی ، پرهیز از آزار ، گشاده‌رویی ، خیرخواهی و رحمت‌برای مؤمنان ، از دین و مرام ائمه‌است .

در زیارت جامعه ، اوصاف برجسته و فضایل ارجمندی از امامان نقل‌شده است . از جمله اینکه : هرگاه خیر و خوبی یاد شود ، اول و ریشه و شاخه ومنبع و جایگاه و منتهای آن هستید و هر نیکی از شما آغاز می‌شود و به‌شما پایان می‌گیرد . (115) .

شما راه خدا را باز کردید شهادت را شما آغاز کردید

فدا کردید جان ، تا دین بماند به خون خفتید ، تا آیین بماند

اهل بیت عصمت ، محبوب‌ترین انسانها ، ارزنده‌ترین دوستها ، زیبنده‌ترین محبوبهایند که جامعیت‌بی‌نظیر نسبت‌به همه خوبیهای‌اخلاقی و رفتاری دارند و آنچه خوبان همه دارند ، اهل‌بیت‌به تنهایی دارندو بهترین چهره‌های دوست داشتنی و عشق ورزیدنی‌اند . در حدیث امام‌صادق عليه‌السلام است که سه چیز محبت‌آور است : دین ، تواضع ، بذل و بخشش . (116) امامان شیعه و اهل‌بیت ، هم محور و مدار دین و آیین‌اند ، هم با همه مقام ومرتبه‌ای که دارند در تواضع و فروتنی پیشتازند و هم در سخاوت و داد ودهش سرآمد مردم روزگارند . یاد کردن از نمونه‌های اخلاقی امامان و ازتواضع ، جود و بخشندگی آنان ، علاقه‌مندی به آنان را می‌افزاید .

روزی معاویه ، یکی از بانوان شجاع و شیفته علی بن ابی‌طالب عليه‌السلام به‌نام «دارمیه حجونی را احضار کرد . از او پرسید : می‌خواهم بدانم بر چه‌اساس و جهتی علی را دوست می‌داری و با من دشمنی ؟ پاسخ داد : علی رابه آن جهت دوست دارم و به ولایت او دل بسته‌ام که او در میان مردم به‌عدالت رفتار می‌کرد ، حقوق را مساوی تقسیم می‌کرد ، پیامبر او را به ولایت‌برگزیده بود ، دوستدار محرومان بود ، دینداران را گرامی می‌داشت و تو را نیزبه خاطر جنگیدنت‌با علیعليه‌السلام که سزاوارتر از توست ، و به خاطر ستمگری ، حکومت هوسرانانه و قضاوت جائرانه‌ات دشمن می‌دارم . (117) .

جلوه‌های برجسته اخلاقی و رفتاری علیعليه‌السلام آنگونه است که آن بانوی‌دلیر را هوادار وی ساخته است . فضیلتها همواره جاذبه دارد .

## 11- معرفی ولی نعمتان

ما از هر کس که احسان و نیکی ببینیم ، به او محبت پیدا می‌کنیم(الانسان عبید الاحسان) . طرح نیکی‌ها و احسانها و فواید و نعمتهایی که ازسوی ائمه به ما رسیده است ، در ایجاد محبت مؤثر است . آنان واسطه‌فیض الهی‌اند ، وسیله قضای حاجات ما از درگاه خدا می‌شوند ، هدایت‌کننده و پیشوای دینی مایند ، به وسیله آنان در مسیر توحید ناب وراه درست و صراط مستقیم قرار گرفته‌ایم . صاحب و ولی نعمت ما آنهایند(بیمنه رزق الوری) . توجه داشتن و توجه دادن به نعمت و شناخت صاحب‌نعمت ، محبت‌آور است .

خداوند به حضرت موسی وحی فرمود که مرا دوست‌بدار و مردم را هم‌دوستدار من کن . گفت : خودم دوستت دارم . با دل مردم چه کنم ؟ خداوندوحی فرمود که آنان را به یاد نعمتهای من بینداز «فذکرهم نعمتی وآلائی (118) . در بخش عمده‌ای از آیات و احادیث ، نعمتها و احسانهای الهی‌در حق بشر برشمرده شده است . اینها زمینه خدادوستی و خداپرستی را درانسان پدید می‌آورد .

در حدیث دیگر است که خدا به حضرت داود چنین وحی کرد . داودعرض کرد : خودم به تو محبت دارم . مردم را چگونه دوستدار تو سازم ؟ «فکیف احببک الی خلقک ؟ » . خداوند فرمود : از راه یادآوری نعمتهایم ، مرامحبوبشان ساز «اذکر ایادی عندهم فانک اذا ذکرت ذلک لهم احبونی (119) .

در روابط خانوادگی نیز ، گاهی برای ایجاد محبت و کشش در میان‌کودکان نسبت‌به بعضی از فامیل ، یادآوری می‌کنند که : او که برایت فلان‌چیز خرید ، تو را به گردش برد و . . . چنین و چنان کرد . یادآوری خوبیها وانعام‌های آنان نسبت‌به کودکان ، ایجاد جاذبه و علاقه می‌کند .

ائمه نیز حق زیادی بر ما دارند و ما هر چه داریم ، بخصوص نعمتها ومواهب معنوی و دینی از این خاندان است و آنان واسطه فیض خدا بربندگانند و باید اینها یادآوری شود تا محبت‌بیافریند . در زیارت جامعه‌درباره نقش رحمت‌آور اهل‌بیت در عالم تکوین می‌خوانیم :

«بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک‌السماء ان تقع علی الارض الا باذنه .

خداوند به سبب شما آغاز کرد و به شما ختم می‌کند ، به خاطر شما باران‌و ابر می‌فرستد ، و به سبب شما آسمان را نگه می‌دارد که جز با اذن او برزمین نیفتد .

و در مورد نقش هدایتی و ارشادی و دین‌آموزی آنان و جایگاهشان درتبیین دین ، می‌خوانیم :

«بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان فسد من دنیاناو بموالاتکم تمت الکلمة و عظمت النعمة واتلفت الفرقه وبموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة .

به سبب موالات و دوستی با شما ، خداوند نشانه‌های دینمان را به ماآموخت و آنچه از دنیایمان تباه شده بود اصلاح کرد ، به سبب موالات‌شما سخن تمام شد و نعمت ، عظمت‌یافت و تفرقه‌ها به همدلی گرایید ، با موالات شما طاعت واجب الهی قبول می‌شود .

اهل بیت ، معلمان دین و مرشدان حیات و راهنمایان زندگی مایند و اگربه توحید و اسلام ناب دست‌یافته‌ایم ، در سایه تعالیم آنان است و مدیون‌آنانیم . خدا را بر این نعمت و منت‌باید شاکر بود . به این خاندان هم‌بایدعشق ورزید .

امام صادقعليه‌السلام درباره اهل بیت‌عليهم‌السلام فرمود :

«لولاهم ما عرف الله عزوجل . (120) .

اگر آنان نبودند ، خدای متعال شناخته نمی‌شد .

امام امت‌قدس سره به صورت اکید ، یادآور این بودند که دین ما ، انقلاب ما ، پیروزی ما و ملت ما همه مدیون ابا عبدالله الحسینعليه‌السلام و عاشوراست . تعابیری از قبیل : «این خون سیدالشهداست که خونهای همه ملتهای‌اسلامی را به جوش می‌آورد» ، «محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته‌است ، «فداکاری سیدالشهداست که اسلام را برای ما زنده نگه داشته‌است ، «اگر قیام حضرت سیدالشهدا نبود ، امروز ما هم نمی‌توانستیم پیروزشویم ، «شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد» ، «انقلاب‌اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است ، همه توجه‌دادن به نعمت معنوی اهل بیت نسبت‌به امت ماست و این سبب می‌شودکه خود را رهین این نعمت‌بشناسیم و محبت اولیای دین در دلمان بیشترشود .

نعمت ولایت و محبت ، از بزرگترین نعمتهاست . در یادآوری نعمتهاتنها به نعمتهای مادی نباید اکتفا کرد . نعمتهای معنوی که اغلب به چشم‌نمی‌آید و مورد غفلت قرار می‌گیرد نیز باید یاد شود تا قدر آنها شناخته‌گردد . همین که ما آشنا و دوستدار این خاندانیم و محبت آنان را در دل‌داریم ، نعمت عظیمی است که با هیچ چیز قابل مبادله نیست . امامان‌خودشان نیز گاهی دوستداران را به ارجمندی و فضیلت این نعمت معنوی‌توجه داده‌اند و آن را بزرگترین برخورداری و ثروت دانسته‌اند .

## 12- ذکر فضایل و فرهنگ و تعالیم اهل‌بیت‌علیهم السلام

مردم ، آرمان‌گرا و قهرمان دوستند و در پی فرزانگیهایند . در غرب ، درباره شخصیتها و چهره‌های ملی و علمی‌شان ، آن‌قدر کتاب و مقاله‌می‌نویسند ، فیلم و مجسمه می‌سازند و تبلیغات می‌کنند ، تا آن چهره را درنقش الگو و قهرمان در ذهن و دل ملت‌خود جا دهند . ما چرا درباره بزرگان‌دینمان که بسیار ارزنده‌تر و شایسته‌ترند چنین نکنیم ؟ اگر مردم شخصیت‌و فضیلت و فکر و فرهنگ امامان اهل‌بیت‌عليهم‌السلام را بشناسند و با سخنان‌بلند آنان آشنا شوند ، به آنان علاقه پیدا می‌کنند و این علاقه به تبعیت وهمسویی می‌کشد . امام رضا عليه‌السلام در حدیثی فرموده است :

«ان الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا» (121) .

مردم اگر خوبیهای حرفها و تعالیم ما را بشناسند از ما پیروی می‌کنند .

ترویج احادیث اهل‌بیت و مسابقات حفظ حدیث در این زمینه مفیداست . استفاده از «چهل حدیث های گوناگونی که از سوی برخی ناشران درموضوعات مختلف تدوین و منتشر شده است ، جهت این کار پیشنهادمی‌شود . برنامه حفظ این چهل حدیث‌ها یا احادیث دیگر نیز مفید است .

انتخاب مفاهیم و موضوعات برای گفتن به کودکان و جوانان بسیارمهم است . در احادیث امامان بسیاری نکته‌ها و معارف نهفته است ، ولی‌همه آنها قابل گفتن برای همه نیست . گاهی برای مخاطب قابل هضم‌نیست ، به جای جاذبه ، دافعه دارد و به جای گرایش به مکتب اهل بیت ، فراری می‌دهد و به جای روشنگری اذهان ، شبهه می‌آفریند . در انتخاب‌هم باید ذوق و خرد داشت و زمینه و ظرفیت‌ها را سنجید و این نکته بسیارمهم است .

امام صادقعليه‌السلام به یکی از اصحاب خویش به نام مدرک بن هزهازفرمود : ای مدرک ! به یاران ما سلام برسان و بگو : رحمت‌خدا بر کسی که‌مودت مردم را به سوی ما بکشد ، به آنان سخنانی از ما بگوید که آنرامی‌شناسند و می‌پذیرند و آنچه را حالت انکار و عدم پذیرش دارند نگوید . (122) .

باید جوانان و نوجوانان ، شیرینی کلام اهل‌بیت و عمق حکمتهای آنان‌را دریابند تا از طریق سخنانشان ، شیفته شخصیتشان شوند . در این مورد ، کلمات قابل‌فهم‌تر ، ترجمه‌های شیوا و دلنشین و روان و انتخاب‌موضوعات کاربردی ، و چاپ زیبا و جذاب مؤثر است . گاهی باید از طریق شکل ، مخاطب را به «محتوا» جذب کرد .

اینکه چگونه مردم و جوانان و بشریت را با فرهنگ اهل‌بیت‌عليهم‌السلام بایدآشنا کرد ، نکته ظریفی است و باید از تکنیک هنر استفاده کرد و در عرضه‌محتوای کلامی و حیاتی ائمه‌عليهم‌السلام به نسل امروز از قالبهای نو و جاذبه‌های‌هنری و شیوه‌های اثرگذار بهره گرفت . کار رسانه‌ها در این جهت مهم است‌و متاسفانه اغلب ، ضعیف و غیرجذاب ارائه می‌شود .

## فضایل اهل‌بیت‌عليهم‌السلام در دو محور قابل طرح است :

1 - جهات آرمانی و خلقت و طینت و سرشت متعالی و نور خدایی و . . .

این بخش از فضایل ، گرچه ارزشمند است و مقام آنان را نزد خدا آشکارمی‌سازد ، ولی چون جنبه عملی و سرمشق‌گیری و تاسی در آنها نیست ، کمتر اثر تربیتی و جاذبه عملی دارد . گاهی هم برای نوجوانان غیرقابل‌هضم و درک است .

2 - جهات عملی و قابل اسوه‌گیری و تبعیت عینی و ملموس از رفتاراهل‌بیت‌عليهم‌السلام .

آشنا ساختن نوجوانان و جوانان با «سیره معصومین و زندگی ائمه‌بسیار لازم و مفید است . اینجا آشنایی با تاریخ به کار می‌آید . شیوایی قلم وجاذبه و هنرمندانه بودن نگارش نیز نباید از یاد برود . ذکر نمونه‌هایی ازصبر ، ایثار ، عفو ، تواضع ، عبادت ، شجاعت ، اخلاص ، عطا و بخشندگی ، فتوت و جوانمردی ، حسن خلق ، علم و حلم ، کیفیت نماز و روزه و تهجد وحج و اعمالشان ، همه و همه بسیار سودمند است . بخصوص حکایاتی ازاهل‌بیت که نوعی برخورد خوب و شایسته و احترام‌آمیز با نوجوانان را دربردارد ، تاثیرگذارتر است . مثلا قصه پیرمرد و امام حسن و امام حسین وکیفیت وضو یاد دادن ، یا رفتار پیامبر با کودکان و سلام دادن به آنان ، یا بغل‌کردن و بوسیدن کودکان خردسال مؤمنین .

معرفی کودکان اهل‌بیت و جاذبه‌های رفتاری آنان برای کودکان ماتاثیرگذارتر است واین سنخیت در سن و سال ، بیشتر جاذبه می‌آفریند .

محبت در دل نوجوانان اگر بصورت یک بذر کاشته شده باشد ، با ذکرنمونه‌های خوب اخلاقی و سیره اهل‌بیت‌عليهم‌السلام باید آن را آبیاری کرد ، تا هم‌خشک نشود ، هم رشد کند و ثمرات بیشتری دهد . این ، سبب تعمیق‌محبت می‌شود . (123) مطالب ارزشمندی که در کتابهای معتبر و اصیل نهفته ، باید استخراج شود تا نسل نوجوان امروز هم از آن ذخایر بهره‌مند شوند .

انتخاب شعرهای ناب ، زیبا و روان درباره شخصیت امامان و اهل‌بیت ، نیز خواندن و اجرای دلنشین و شیرین آنها ایجاد محبت می‌کند . از میان‌انبوه قصاید و اشعار ولایی ، باید دست‌به گزینش زد . آگاهی و ذوق لطیف ، در این گزینش بسیار نقش دارد . در این مساله نیز ، همچون برنامه‌های‌دیگر فرهنگی و هنری برای کودکان و نوجوانان ، توجه به نکات روانشناسی‌و روحیات ویژه این مقطع سنی و تحصیلی ضروری است .

## 13- گره زدن خوشیهای زندگی به حیات ائمه علیهم السلام

خوش آمدن از چیزی ، علاقه ایجاد می‌کند . باید کوشید شخصیت وزندگی و خاطره اهل‌بیت و مراسم و مجالسشان در ذهن کودکان خاطره‌خوشی برجای بگذارد . با استفاده از قضیه شرطیه (قضیه پاولوف) به نحوی‌عمل کنیم که با دیدن چیزی و خاطره‌ای ، پیوند با اهل‌بیت‌عليهم‌السلام مطرح‌شود . جشن گرفتن و شیرینی و عیدی دادن‌ها و جشن تکلیف گرفتن واعطای مدال و اهدای جوایز و تشویقها اگر در روز تولد معصومین عليهم‌السلام ‌باشد ، خواه‌ناخواه تاثیر غیرمستقیم دارد . گره خوردن یک خاطره خوش بااهل‌بیت‌عليهم‌السلام ، مثلا شبها یا روزهای میلاد ائمه‌عليهم‌السلام ، در خانه‌ها ومدرسه‌هامان باید یک حادثه خوب یا خاطره خوش و برنامه جاذبه‌دارپیش آوریم ، مثلا در مناسبتهای مربوط به اهل‌بیت‌با یک جعبه شیرینی‌به خانه رفتن ، روز تولد امامان یک جعبه شیرینی در دفتر مدرسه گذاشتن وبه همین مناسبتها در خانه و مسجد و محله و مدرسه ، جشن گرفتن ، سبب‌می‌شود این مناسبتها از یاد نرود و این شادی‌ها با این ایام و نام و یاداهل‌بیت ، حالت‌شرطی پیدا کند .

کسی می‌گفت : با فرزند کوچکم به مسجد و برای نماز جماعت رفتیم . بین دو نماز ، شیرینی به افراد دادند . فردا شب پسرم گفت : بابا ! مسجدنمی‌رویم ؟ از آن پس هر وقت او را به مسجد می‌برم ، اگر شیرینی و . . . نبود ، وقتی بیرون آمدیم حتما برایش شکلات می‌خرم ، تا پیوند مسجد آمدن بابرخورداری از یک چیز دوست‌داشتنی در ذهن او گسسته نشود و علاقه به‌مسجد و نماز ، تداوم یابد .

رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود : «الهدیة تورث المودة (124) هدیه ، محبت می‌آورد .

اگر این هدیه در ارتباط با خاندان عصمت و اهل‌بیت‌باشد طبیعی است‌که محبت آنان را در پی خواهد داشت .

در هر برنامه دینی و مذهبی می‌توان از این شیوه برای ایجاد علاقه‌استفاده کرد ، مثل نماز جمعه ، جلسه دعا یا سخنرانی ، شرکت در مراسم‌مذهبی و مجالس سوگواری یا مسجد و نماز جماعت . در مناسبتهای ویژه‌ائمه نیز اگر از این شیوه استفاده شود ، در ایجاد جاذبه مؤثر است .

دیده از اشک و دل از داغ و لب از آه پر است عشق در هر گذری رنگ دگر می‌ریزد (125)

## 14- پرهیز از عوامل محبت‌زدا

در کنار برنامه‌های محبت‌آفرین ، از کارهای نفرت آفرین هم بایدپرهیز کرد . گاهی برخی حرکات ، رفتارها ، برخوردها ، حرف‌ها ، برنامه‌ها وشیوه‌ها ، مانع پیدایش «پیوند محبت می‌شود و به عنوان عامل منفی وضد تبلیغ اثر سوء می‌گذارد و عامل دفع می‌گردد . مثلا اگر مجالس حسینی‌خسته کننده و ملال‌آور شود ، یا سر و صداهای آن برای دیگران مزاحمت وسلب آسایش داشته باشد ، یا با کودکان در محافل اهل بیتی بد رفتاری وبرخورد سبک و تحقیرآمیز و از روی بی‌اعتنایی و طرد انجام گیرد ، یااینگونه کارهای مذهبی به صورت تحمیلی و اجباری درآید ، یا توسط افرادبد اخلاق ، بد قیافه ، بد صدا ، بد سابقه و بد رفتار ، ژنده و ژولیده و چرک آلودانجام شود ، اینها به عنوان «مانع ایجاد محبت‌یا موجب بدبینی و تنفر ورمیدن و گسستن می‌گردد .

سعدی در مورد کسی که با صدای گوش خراش و بد قرآن تلاوت‌می‌کرد ، گفته است :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| گر تو قرآن بدین نمط خوانی  |  | ببری رونق مسلمانی  |

از این رو ، گاهی هم برای ایجاد محبت‌یا استمرار محبت نسبت‌به‌اهل بیت ، باید عوامل منفی و موانع را زدود ، تا جاذبه فراهم آیاد و علاقه‌پیدا کنند . شیوه جذب بسیار مهم و حساس است .

بعضی‌ها مثلا در شبهای محرم ، پس از نیمه شب هم از صدای‌بلندگوی مسجد یا حسینیه ، خواب و آسایش ندارند ، یا بیمار دارند ، یا شب‌درسی و امتحانی است و . . . در این صورت ، این تبلیغ به ضد تبلیغ تبدیل‌می‌شود و از عزاداری بیزار می‌شوند .

امام امت و مقام معظم رهبری ، به خاطر تاثیر منفی قمه‌زنی در اذهان‌دیگران ، فتوا دادند که به خاطر مصالح اسلام و شیعه ، از این کار خودداری‌شود ، چون بعضی از همین کار زده می‌شوند و به دستگاه حسینی جذب‌نمی‌شوند و بهانه‌ای برای تبلیغات سوء دشن می‌شود .

## 15- ایجاد فضای روحی و معنوی

یکی از راهها ، پدید آوردن صحنه‌ها و فضاهایی است که بچه‌ها درشرایط روحی خاصی قرار بگیرند و بتدریج‌حس درونی آنان بیدار شود وجذب گردند . چه‌بسا اگر کودکان (و حتی بزرگان) را به حال خود رها کنیم ، به‌این سمت و جهت کشیده نشوند و به مجالس دعا و توسل نیایند . ولی اگرترتیبی دهیم که در این فضا قرار گیرند ، جذب می‌شوند . مثلا اردوهای‌فرهنگی و زیارتی و دیدارها از حرمها ، زیارتگاهها ، شرکت در مجالس‌دینی و دعا و توسل و عزاداری و ملاقات با شخصیتهای معنوی واهل‌بیتی ، ایجادکننده یا محکم کننده این رشته و رابطه است .

این همه اردوهای سیاحتی و زیارتی در طول سال ، بویژه در تعطیلات‌تابستانی تشکیل می‌شود و دانش‌آموزان مثلا به قم ، شیراز ، مشهد ، جمکران ، مرقد امام و امثال آن می‌روند ، تنها تماشای ساختمان و در ودیوار و گنبد نباشد ، همراه این دیدارها تغذیه فکری و روحی شوند و مطلب‌یاد بگیرند و الگو بگیرند و عشقها و علاقه‌هایشان را به این خاندان پیوندبزنند . دیدار با شخصیتهایی که تاثیرگذارند ، در صورت امکان حتما دربرنامه این سفرها و اردوها قرار بگیرند . شرکت در مجالس با حال همینطوراست . قرار گرفتن در جمع «دوستداران اهل‌بیت ، این حس و حالت راایجاد می‌کند ، مثل هر جمع دیگری که فضا و روحیه جمعی در افرادی که‌وارد آن جمع می‌شوند ، مؤثر است .

مجالس سوگواری و دعا و حضور در حرمها و زیارتگاهها بسیار مهم‌است . در مجالس عزا و نوحه ، عواطف بر محور محبت اهل‌بیت‌به جوش‌می‌آید ، دلها شکسته می‌شود ، اشکها جاری می‌گردد و گریه ، افراد را باخاندان پیامبر گره می‌زند و مرتبط می‌سازد . گریستن در مجالس‌سوگواری ، دلها و عاطفه‌ها را هم تلطیف می‌کند ، هم تقویت . در حالت‌عادی یا فردی ، ممکن است نه دل بسوزد ، نه اشک جاری شود ، نه انقلاب‌روحی دست دهد . ولی تاثیر جو عاطفی و معنوی یک جلسه و مراسم وحس عمومی و گروهی حاضران را هم‌آوا می‌سازد و معبر دل را باز می‌کند .

اینگونه مجالس ، اگر در خانه و مدرسه و محله برگزار شود و نوجوانان دربرپایی آن و انجام خدمات و کار برعهده گرفتن و همکاری و . . . مشارکت‌داشته باشند ، آنان را دوستدار بار می‌آورد .

زیارت نیز از همین مقوله‌هاست . همچنانکه دیدار حضوری با یک‌انسان والا و پاک ، مؤثر است ، حضور در کنار تربت معصومین و حرمهای‌مقدس نیز ، پاکساز روح است و شوق‌آفرین . اگر محبت و معرفت‌باشد ، «شوق زیارت هم در پی آن است و اگر به زیارت رویم ، خود زیارت ، محبت‌آور است و زیارت و محبت در یکدیگر تاثیر متقابل می‌گذارند . محبت ، زیارت را در پی دارد و زیارت ، محبت را . نزدیکی مادی و فیزیکی ، قرابت روحی را هم به دنبال می‌آورد . برعکس ، گریز و دوری از چنین مراکزو مکانهایی ، روح را هم بیگانه و ناآشنا و گریزان می‌سازد . گاهی که نگاه به‌حرم و مزار بیفتد ، چشمه محبت می‌جوشد ، پس ، از تاثیر «تلاقی نگاه وحرم هم نباید غافل بود .

زیارت ، همراه است‌با سلام دادن به اولیاءالله . اگر زائر بداند که پیامبر یاامام یا هر یک از اهل‌بیت مدفون در حرم ، زائر را می‌بینند و می‌شناسند وسلامشان را جواب می‌دهند ، محبت پیدا می‌کند . مهم ، تفهیم این نکات‌ظریف به کودکان و نوجوانان است .

حضور در جمع افراد بی‌حال و بی‌تعهد و هرزه ، روح انسان را به آن‌سمت‌سوق می‌دهد . برعکس ، حضور در جمع انسانهای با معنویت و مراکزمقدس و مراسم آیینی ، تقویت‌کننده بنیان معنویت است .

اگر بعضی گریزانند ، شاید به دلیل خجالت ، یا احساس بیگانگی یا به‌خاطر نچشیدن طعم محبت اهل‌بیت است . چه‌بسا اگر بچشند ، مشتاق‌شوند . مثل آنان که از غذایی نمی‌خورند ، چون تا به حال نخورده‌اند . همین‌که یک لقمه بخورند و مزه آن را بفهمند ، ادامه خواهند داد .

ایجاد فضای روحی برای کودکان در رابطه با اهل‌بیت‌به این معنی‌است . تاثیرپذیری از «جو» بسیار نیرومند است . چه جوی که در یک خانه ومدرسه به وجود می‌آید ، چه در سطح یک کشور و جامعه . چه مانعی دارد که توفیق اجباری برای آنان فراهم کنیم تا «جذب اختیاری را در پی‌داشته باشد ؟

گاهی اگر نگاه به یک بقعه و حرم یا مسجد بیفتد ، کشش ایجاد می‌کند . آیا نمی‌توان وقف درختهای میوه و توت را برای عموم ، در کنار مسجدها وحسینیه‌ها و بهره‌مندی رایگان مردم از آنها را دارای این تاثیر دانست ؟ یااینکه در قدیم ، حیاط برخی مساجد دو در داشت که بعنوان «راه عبور»مردم استفاده می‌شد ، در همین عبور و تلاقی نگاه گاهی دلها جذب فضای‌روحانی و معنوی مسجد می‌شد .

حتی ایفای نقش در یک نمایشنامه یا فیلم در قالب یک چهره مقدس‌و در نقش اهل‌بیت‌یا وابستگان به این خاندان ، خود به خود محبت‌می‌آفریند و بازیگر و هنرمند ، به آن چهره‌ها علاقه پیدا می‌کند . این نیزنوعی ایجاد فضای روحی و معنوی نسبت‌به اهل بیت است . (126) .

## 16- معرفی کتاب و نگارش مقاله و شعر

این نوعی کار فرهنگی است که با شناختن و شناساندن کتابهای خوب ، جذاب و سازنده در مورد اهل‌بیت‌عليهم‌السلام ، از علاقه به مطالعه بچه‌ها استفاده‌کنیم . کتابی که به مسابقه می‌گذاریم یا برای تلخیص پیشنهاد می‌کنیم یاموضوعی که برای مقاله‌نویسی و شعر و قصه ، حتی عکس و نقاشی‌می‌دهیم ، اگر سوژه‌های اهل‌بیتی داشته باشد مفید است . با کشاندن‌روزنامه دیواری و فعالیتها فرهنگی تبلیغاتی دانش‌آموزان به این سمت وسوی ، یا درخواست‌خاطره‌نویسی از موضوعاتی چون زیارت ، عاشورا ، نیمه‌شعبان ، شب قدر ، مجالس سوگواری و امثال اینها می‌توان به تقویت این‌حس و علاقه کمک کرد . (127) .

شناسایی اینگونه کتابهای موفق و جاذب و معرفی شوق‌آفرین آنها ، هم‌ذوق می‌خواهد ، هم تخصص . موضوع و سوژه دادن نیز در برنامه‌های فوق برنامه همین‌طور است .

## 17- قصه‌های دلدادگان

به جز داستانهایی از زندگی اهل بیت که در جای خود ، تاثیر عاطفی ومحبت‌آور دارد ، (128) نقل قصه‌ها و سرگذشتهای کسانی که شیفته این خاندان‌بوده و هستند و این محبت در زندگی ، فداکاری ، ایثار ، خدمات و حالات‌خاص و زیارتها و توسلهای آنان مشهود بوده ، برای جذب به این خاندان وایجاد محبت ، مفید است .

داستان شیفتگی ابوذر به پیامبر خدا ، عشق اویس قرنی به آن حضرت ، محبتهای عمیق یاران و اصحاب حضرت علیعليه‌السلام به آن حضرت ، نمونه‌هایی از دلباختگی یاران سید الشهدا ، کسانی که در راه زیارت ائمه چه‌در حال حیاتشان یا پس از وفاتشان و نسبت‌به زیارت مرقدهای ائمه ، عشق و اخلاص و رنجها و تلاشها داشته‌اند ، آنان که با همه سختگیریهای‌بنی‌امیه و بنی‌عباس نسبت‌به موالیان اهل بیت ، همچنان به محبت آنان‌وفادار می‌ماندند ، آنان که برای زیارت کربلا از همه چیز می‌گذشتند ، شیفتگان دیدار حضرت مهدیعليه‌السلام و ره‌یافتگان به وصال آن محبوب وشوق و دلدادگیهای منتظران ، آنچه در ایام دفاع مقدس در حالات وروحیات و جانفشانیهای رزمندگان و شهدا جلوه می‌کرد و به خاطر کربلا وبه شوق زیارت و به عشق عنایات حضرت مهدی و حضرت زهرا درجبهه‌ها حماسه می‌آفریدند و فدای این عشق مقدس می‌شدند ، آنان که به‌خاطر عشق به اهل بیت ، عظیم‌ترین خدمات و کارهای خیر و خرجها واحسانها را داشته‌اند ، داستان حواریون و یاران ویژه هر یک از ائمه ، و . . . بسیاری از اینگونه سرگذشتها و حکایات ، اثر شگفت دارد ، بخصوص برای‌کودکان و نوجوانان که گرایش شدید به قصه دارند و از داستانها «الگو»می‌گیرند و نسبت‌به «قهرمان های قصه‌ها دلبستگی و علاقه پیدامی‌کنند .

البته زبان گفتاری و نوشتاری اینگونه داستانها هر چه شیرین‌تر وشیواتر و هنرمندانه‌تر باشد ، میزان تاثیر بیشتر است .

## 18- تشکلهای هیئتی

برنامه‌های خودجوش نوجوانان که کار گروهی انجام می‌دهند ، مثل‌فعالیتهایی که در نیمه شعبان و برگزاری جشن دارند ، یا تشکیل هیئت درمحله و راه انداختن دسته عزاداری یا آراستن مسجد و حسینیه و تکیه وبرنامه‌های ایستگاههای صلواتی آب و شربت و اطعام و احسان و . . . همه‌گره زننده قلب نوجوانان با تشکیلات اهل‌بیت‌عليهم‌السلام است . بچه‌هازمینه‌های روحی دارند . اینها را باید به کار گرفت و در محله‌های مختلف ازخود آنان «هیئت درست کرد تا خودشان مسؤولیت آن را به عهده بگیرندتا فعال‌تر شوند . ایام محرم یکی از مناسبترین فرصتهای ایجاد اینگونه‌تشکلهای هیئتی و گروه‌بندی‌های مذهبی از دانش‌آموزان بخصوص درمقطع راهنمایی و اوایل دبیرستان است . اینگونه تشکلهای مقدس ، عضویت در شبکه گسترده ولایت و محبت اهل‌بیت و امام حسینعليه‌السلام ، بامحوریت آن خاندان پاک است و کمتر مسائل باندی و گروهی و جناحی‌دارد و جاذبه‌اش فراگیرتر است .

در عاشورا و نیمه شعبان ، به خاطر شور عمومی مردم ، بچه‌ها جذب‌اینگونه مراسم می‌شوند . برای استفاده از این حس خودجوش بچه‌ها وجهت دادن آن برای ایام دیگر باید سرمایه‌گذاری و وقت‌گذاری وبرنامه‌ریزی کرد . وقتی بچه‌ها برای خودشان در ارتباط با ائمه‌عليهم‌السلام ، صاحب‌علم و پرچم و دسته و هیئت می‌شوند ، احساس تشخص می‌کنند . این‌احساس تشخص ، در آنان ایجاد مسؤولیت و تعهد می‌کند و آنان را بااهل‌بیت ، مرتبط می‌سازد ، چون حس می‌کنند که در این رابطه‌ها ، شخصیت و هویت مستقلی یافته و مورد توجه قرار گرفته و به حساب‌آمده‌اند .

پرچم و علم و کتیبه و هیئت ، نشانه تشخص یک گروه است و تاثیروحدت‌بخشی و انسجام‌آفرینی و ایجاد علقه و پیوند دارد . به تعبیر شهیدپاک‌نژاد :

«با نیم‌متر چوب و نیم متر پارچه سیاه ، می‌توان موجی از احساسات‌بی‌دریغ درباره بزرگسالار شهیدان مشاهده کرد که در هیچ جا نمونه‌ای ازآن دیده نمی‌شود; در حالی که برای تشکیل اجتماع حتی کوچکی بایدمتحمل زحمات زیادی گردید . » (129) .

دسته‌های عزاداری و هیئت‌های سنتی ، علاوه بر نقش حفظ فرهنگ‌عاشورا و اهل‌بیت ، به نحوی تمرین تشکل و سازماندهی بر محور امام‌حسینعليه‌السلام با محتوایی مقدس و آدابی خالصانه و عاشقانه است .

## چند نکته تکمیلی

## مقدمه

با همه اهمیتی که برای محبت و دوستی با خاندان پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله قائلیم ، اگر این ایجاد علاقه ، به صورت درست و دقیق و آموزشهای صحیح همراه‌نباشد ، چه‌بسا نوعی غرور ، غفلت و افراط پیش آید و نتیجه معکوس دهد . از این‌رو توجه به چند نکته در این مورد ، ضروری است ، تا این محبت‌مقدس اثربخش‌تر باشد و از آفات مصون بماند .

## 1 . پیوند محبت‌با عمل

در محبت اهل بیت‌عليهم‌السلام و ایجاد آن در دل بچه‌ها ، باید از یکسونگری ، هم پرهیز داشت و هم پرهیزشان داد . آمیختن «محبت به «عمل ، کاراصلی ماست تا صرف محبت و عشق به اهل‌بیت‌عليهم‌السلام (منهای عمل و تقواو تبعیت) غرور برای محبان نیاورد . اگر جز این باشد ، یا محبت ، راستین‌نیست‌یا آمیخته به عوامل خنثی‌کننده تاثیر عشق و علاقه است .

محبت ، در صورت ناب و عمیق بودنش ، دوست و دوستدار را همرنگ وهمراه می‌سازد . محبت چه به خدا باشد ، یا پیامبر ، یا امامان یا هر شخص‌دیگر ، اگر واقعی باشد ، انسان را از مخالفت و ناراضی ساختن محبوب و کاربرخلاف خواسته و میل و رضای او بازمی‌دارد . اگر در عین ادعای عشق ودوستی ، کاری کنیم که دوست را برنجاند ، عاشق و دوستدار نیستیم ، بلکه‌یک مدعی هستیم که دلیلی بر اثبات ادعا نداریم .

امام صادقعليه‌السلام در حدیثی خطاب به مفضل ، ضمن دسته‌بندی شیعیان‌نسبت‌به محبت اهل‌بیت و اینکه انگیزه‌های رابطه دوستی با اهل بیت‌نزد اشخاص ، مختلف است ، از گروهی نام می‌برد که دوستداران واقعی‌اند :

« . . . وفرقة احبونا و حفظوا قولنا واطاعوا امرنا ولم یخالفوافعلنا ، فاولئک منا و نحن منهم . (130) .

گروهی ما را دوست دارند ، سخن ما را حفظ می‌کنند ، فرمان ما را پیروی‌می‌کنند و با کار ما مخالفت نمی‌کنند . اینان از مایند و ما از آنانیم .

امام صادقعليه‌السلام درباره ادعای محبت‌خدا فرموده است :

تعصی الاله وانت تظهر حبه هذا محال فی الفعال بدیع

لو کان حبک صادقا لاطعته ان المحب لمن یحب مطیع (131)

خدا را نافرمانی می‌کنی در حالی که اظهار محبت او را می‌کنی ، این‌محال است و در میان کارها پدیده تازه‌ای است .

اگر عشق تو راست‌باشد او را اطاعت می‌کنی ، چرا که عاشق ، نسبت‌به‌محبوب خود ، فرمانبردار است .

اظهار دوستی با خدا باید همراه با تبعیت و اطاعت‌باشد نه معصیت ، چون حب صادقانه به اطاعت محبانه منجر می‌شود . ادعای دوستی بااهل‌بیت‌عليهم‌السلام ولی اهل گناه و آلودگی بودن نوعی تناقض است . باید تفهیم‌کرد که هر چند که دین ما ، دین حب و محبت است ولی محبتی صادقانه‌است که به همرنگی و هماهنگی کشیده شود . همچنان که دو نفر وقتی به‌هم محبت دارند ، به خاطر همین محبت می‌کوشند مثل هم باشند و ازرنجاندن و مخالفت دیگری پرهیز کنند تا رشته محبت و دوستی گسسته‌نشود .

حدیثی از امام رضا‌عليهم‌السلام گویای همین نکته است که نباید به اتکای‌دوستی اهل‌بیت‌عليهم‌السلام ، «عمل صالح را رها کرد و گفت که علیعليه‌السلام داریم‌چه غم داریم و امثال اینها :

«لاتدعوا العمل الصالح والاجتهاد فی العبادة اتکالا علی حب‌آل محمد ولاتدعوا حب آل محمد والتسلیم لامرهم اتکالاعلی العبادة ، فانه لایقبل احدهما دون الاخر» . (132) .

نه عمل صالح و تلاش در عبادت را به اتکای محبت اهل‌بیت‌عليهم‌السلام رهاکنید و نه محبت و دوستی اهل‌بیت‌عليهم‌السلام و تسلیم آنان بودن را به اتکای‌عبادت ، چرا که هیچ کدام بدون دیگری پذیرفته نیست .

آری . . . آمیختن «محبت اهل بیت‌عليهم‌السلام ، به «عمل صالح و بندگی . (133) .

عشق به اهل‌بیت ، باید همراه با عشق به نیکان و نیکی‌ها و کارهای‌شایسته و بندگان صالح باشد . این نشانه صدق محبت است . امام‌سجاد‌عليهم‌السلام در مناجات محبین از خداوند ، محبت‌خدا را ، محبت دوستداران‌خدا را و محبت هر عملی را که بنده را به قرب خدا می‌رساند ، درخواست‌می‌کند . (134) .

علیعليه‌السلام فرمود :

«من احبنا فلیعمل بعملنا ولیتجلبب الورع . (135) .

هر که ما را دوست‌بدارد ، باید مثل ما عمل کند و پرهیزکاری را همچون‌جامه و پوشش (جلباب) خود قرار دهد .

دوستداری و شیعه‌گری ، جز با متابعت عملی و پیروی به اثبات نمی‌رسدو شیعه یعنی پیرو . از پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت است :

«ان شیعتنا من شیعنا و تبعنا فی اعمالنا» (136) .

یقینا پیروان ما کسانی‌اند که در کارهایمان از ما متابعت و پیروی‌می‌کنند .

از امام زمان «عج هم روایت است :

«فلیعمل کل امرء منکم ما یقرب به من محبتنا ولیتجنب مایدنیه من کراهتنا و سخطنا . . . » (137) .

هر کدام از شما کاری کند که او را به محبت ما نزدیک و از ناخوشایندی وخشم ما دور سازد .

پس نوع عمل است که ما را به اهل‌بیت‌عليهم‌السلام نزدیک یا دور می‌سازد ومحبوب یا منفور آنان می‌شویم . محبت هم در دل است ، هم بر زبان جاری‌می‌شود ، هم در عمل انسان بروز می‌کند . این که در حدیث است پیامبر به‌علیعليه‌السلام فرمود : «برخی تو را تنها در دل دوست دارند ، بعضی دوستدار قلبی‌و زبانی تواند ، برخی هم با دل دوست می‌دارند ، با زبان کمک می‌کنند و باشمشیرشان به یاری تو می‌شتابند ، پاداش آنان برابر با پاداش این امت‌است . » (138) گویای این است که محبت ، جنبه عملی هم دارد و همان ملاک‌صدق در محبت است . تاکید ائمه معصومین بر اینکه شیعه ، با عمل‌شایسته خود ، موجب زینت و آراستگی آنان باشند ، نه مایه شرمندگی وعیب و عار ، اشاره به همین بعد عملی محبت و موالات با خاندان عصمت‌است . امام صادقعليه‌السلام فرمود :

«معاشر الشیعه ! کونوا لنا زینا ولا تکونوا علینا شینا» . (139) .

ای گروه شیعه ! برای ما زینت‌باشید ، نه موجب ننگ و عیب .

آنچه که جاذبه می‌آفریند ، عمل و رفتار شیعه است .

## 2 . نشانه‌های محبت

گاهی امر ، بر خود انسان هم مشتبه می‌شود و خود را شیعه یا محب‌اهل‌بیت می‌پندارد ، در حالی که شعار و ادعایی بیش نیست . برای شناخت محبت اهل‌بیت ، باید سراغ نشانه‌های آن رفت . نشانه‌های عشق‌راستین نسبت‌به اهل‌بیت ، اینهاست :

1 - عمل و تقوا

در نکته پیشین ، به تفصیل در این باره بحث‌شد .

2 - عشق به دوستان اهل بیت ‌عليهم‌السلام

اگر شیفته اهل بیتیم ، باید دوستان آنان را هم دوست‌بداریم . محبتهای طولی و سلسله‌ای ، نشانه محبت‌به محبوب است . اگر کسی رادوست می‌داریم ، بطور طبیعی باید از کارها و اشخاصی که مورد محبت‌اوست نیز خوشمان آید . می‌توان این عشق طولی را چنین ترسیم کرد :

محبت‌به خدا محبت‌به رسول خدا محبت‌به اهل بیت محبت‌به شیعیان اهل‌بیت .

امام علیعليه‌السلام فرموده است :

«من احب الله احب النبی ، ومن احب النبی احبنا ، و من احبنااحب شیعتنا» . (140) .

هرکس خدا را دوست‌بدارد ، پیامبر را هم دوست می‌دارد . کسی که‌دوستدار پیامبر باشد ما (اهل‌بیت) را هم دوست دارد و هر که ما رادوست‌بدارد ، پیروان ما را هم دوست‌خواهد داشت .

امام علیعليه‌السلام فرمود : هرکس خوش دارد که بداند آیا دوستدار ماست‌یادشمن ما ، قلب و دل خود را بیازماید (و به دل خود رجوع کند) اگر دوست مارا دوست‌بدارد ، پس دشمن ما نیست و اگر دوست ما را دشمن بدارد ، پس‌دوستدار ما نیست :

«من سره ان یعلم امحب لنا ام مبغض فلیمتحن قلبه ، فان کان‌یحب ولیا لنا فلیس بمبغض لنا و ان کان یبغض ولینا فلیس‌بمحب لنا . . . » (141) .

به فرموده امام صادقعليه‌السلام : «من تولی محبنا فقد احبنا» . (142) هر که با دوست‌ما دوستی کند ، ما را هم دوست داشته است .

## 3 - بیزاری از دشمنان

دوستدار اهل‌بیت ، نمی‌تواند با دشمنان آنان دوستی داشته باشد . دریک دل دو محبت در عرض هم نمی‌گنجد . با محبت اهل‌بیت نیز ، محبت‌دشمنانشان سازگار نیست . بحث مهم تولی و تبری در همین‌جامطرح‌می‌شود . شیعه و موالی اهل‌بیت ، بی‌خط و بی‌موضع نیست و با مخالفان‌اهل بیت ، مودت و طرح دوستی نمی‌ریزد . کفر به طاغوت نیز در کنار ایمان‌به خدا بلکه جلوتر از آن مطرح است .

کفر وایمان قرین یکدگرند هر که را کفر نیست ، ایمان نیست

امام باقر‌عليهم‌السلام ، در ذیل آیه‌ای که می‌فرماید : خداوند برای هیچ کس دودل در سینه‌اش قرار نداده است (143) از امیرالمؤمنینعليه‌السلام روایت کرده که فرمود :

«لایجتمع حبنا و حب عدونا فی جوف انسان . . . » (144) .

محبت ما و محبت دشمنان ما در دل یک انسان جمع نمی‌شود ، چون‌خداوند برای انسان دو قلب قرار نداده که با یکی این را دوست‌بدارد بایکی آن را دشمن بدارد . دوستدار ما باید محبت‌خود را برای ما خالص‌سازد ، همچنان‌که طلا دردل‌آتش خالص وبی‌آلایش می‌شود . پس‌هرکه‌می‌خواهد محبت‌ما را بشناسد دل خود را امتحان کند ، اگر در دل او درکنار محبت ما محبت دشمن ما هم باشد ، از ما نیست ، ما هم ازاونیستیم .

در حدیث دیگر ، امام صادقعليه‌السلام در پاسخ کسی که گفت : فلانی ولایت‌شما را دارد ولی نسبت‌به برائت از دشمنانتان سست است ، فرمود :

«هیهات ! کذب من ادعی محبتنا ولم یتبرء من عدونا» . (145) .

آنکه مدعی ولایت و محبت ماست ، ولی از دشمن ما بیزاری نمی‌جوید ، دروغ می‌گوید .

## 4 - آمادگی برای بلا و رنج

اینکه دوستداران اهل بیت‌عليهم‌السلام باید آماده رنجها و سختیها باشند ، نشان دیگری از این است که محبت و ولایت ، بدون آمادگی برای تحمل‌سختی لوازم آن ، پذیرفته نیست . به فرموده امام علیعليه‌السلام :

«من احبنا اهل البیت فلیستعد عدة للبلاء» . (146) .

هر کس ما اهل‌بیت را دوست می‌دارد ، پس وسایل و مقدمات تحمل بلاو سختی را آماده سازد .

راه عشق و محبت ، راه دشوار و پرخطر و بلاخیز است و عاشق صادق‌هرگز از این رنجها نمی‌گریزد ، بلکه به استقبال آن می‌شتابد و رنج در راه‌معشوق برایش لذت‌بخش است . به گفته حافظ :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نازپرود تنعم نبرد راه به دوست  |  | عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد  |

باز به گفته خواجه شیراز :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بحری است‌بحر عشق که هیچش کناره نیست  |  | آنجا جز آنکه جان بسپارند ، چاره نیست  |

نیز ، خون دل خوردن و تحمل کردن ، نشان دیگری از عشق است .

جام می و خون دل هر یک به کسی دادند در دایره قسمت ، اوضاع چنین باشد

همواره «ولا» با «بلا» و عشق با سختی همراه بوده است : «البلاءللولاء» .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هر که در این بزم مقرب‌تر است  |  | جام بلا بیشترش می‌دهند  |

## 3 . پرهیز از غلو

یکی از آفات راه محبت ، غلو و زیاده‌روی در عقیده و اظهار دوستی‌نسبت‌به اهل بیت‌عليهم‌السلام است . خود ائمه هم در زمان خود با پدیده غلو مواجه بودند و با کسانی که نسبت‌به آنان عقیده خدایی داشتند بشدت برخورد می‌کردند و از آنان برائت می‌جستند . در این زمینه هم حدیث زیاد است ، از جمله امام صادق عليه‌السلام فرمود :

«احذروا علی شبابکم الغلاة لا یفسدونهم ، فان الغلاة شر خلق الله ، یصغرون عظمة الله و یدعون الربوبیة لعباد الله . (147) .

جوانان خود را از غلات برحذر دارید که فاسدشان نکنند ، غلات بدترین‌خلق خدایند ، عظمت‌خدا را کوچک می‌شمارند و برای بندگان خدا مقام‌ربوبیت ادعا می‌کنند .

افراط در ستایش و رساندن پیامبر و ائمه به مقام الوهیت و خدایی غلو» است . محبت نباید سر از غلو درآورد که به هلاکت می‌انجامد . علیعليه‌السلام فرمود :

«هلک فی رجلان : محب غال و مبغض قال (148) .

درباره من دو گروه به هلاکت افتادند : دوستدار غلوکننده و دشمن‌کینه‌توز .

پیامبر و امامان ، پیش از آنکه نبی و امام باشند ، «عبد» بودند که‌پروردگار داشتند . فرموده‌اند که ما را از حد ربوبیت پایین بیاورید آنگاه هرچه می‌خواهید بگویید . امام علیعليه‌السلام فرموده است :

«ایاکم والغلو فینا ، قولوا : انا عبید مربوبون و قولوا فی فضلناماشئتم . (149) .

از غلو درباره ما بپرهیزید ، بگویید که ما بندگانی هستیم تحت اراده رب ، وهر چه خواستید در فضیلت ما بگویید .

پدیده غلو در تاریخ اسلام ، موجب گمراهی عده‌ای شده است . این غلو ، بویژه نسبت‌به حضرت علیعليه‌السلام بیشتر بروز کرده است . آن حضرت دراشاره به این گمراهی و انحراف فکری می‌فرماید :

«مثلی فی هذه الامة مثل عیسی بن مریم ، احبه قوم فغالوا فی‌حبه فهلکوا وابغضه قوم فهلکوا . . . » (150) .

مثل من در این امت ، همچون عیسی بن مریم است ، گروهی او را دوست‌داشتند و در محبت ، غلو و افراط کردند و به هلاک افتادند ، گروهی هم‌دشمنش شدند و هلاک گشتند .

حب افراطی همیشه دورکننده از حق است . علیعليه‌السلام در سخنی خطاب‌به خوارج نهروان فرمود :

در مورد من دو گروه به هلاکت‌خواهند افتاد : یکی دوستداران افراطی که حب آنان را به راه ناحق می‌کشاند ، یکی هم دشمنان افراطی . (151) .

حب افراطی و نسبت دادن مقام و شان الوهیت‌برای ائمه ، نوعی بدعت‌و شرک بود که به وسیله دوستان نادان یا دشمنان عنود ، در تاریخ اسلام‌پدید آمد و برای شیعه و ائمه دردسرهایی داشت و هنوز هم برخی از آن‌اعتقادات و گرایشها ، دستاویز دشمنان برای حمله به تشیع می‌گردد . دشمنان اهل‌بیت ، خود از کمک‌کاران نشر اینگونه افکار و آثار بوده وهستند ، چون از این رهگذر ، می‌توانند چهره شیعه را وارونه نشان دهند . (152) .

البته خطر دیگری از سوی دیگر است . در برخی مناطق و محافل هم‌به بهانه خوف از خطر غلو ، نقل فضایل و مناقب اهل بیت را که در روایات‌قطعی آمده است ترک می‌کنند و هر فضیلتی را که کمی با عقل بشر جورنیاید ، به نام غلو ، رد می‌کنند که این هم درست نیست و خواسته دشمن است .

مخالفان شیعه ، ما را به غلو نسبت می‌دهند .

ما ضمن آنکه باید از غلو بپرهیزیم و گرفتار انحراف در عقیده نشویم ، پاسخی هم برای رد اتهامات آنان داشته باشیم و مرزی میان «غلو» و«بیان فضایل بشناسیم تا بتوانیم شبهات آنان را دفع کنیم .

به هر حال ، باید سطح فکر و ظرفیت نوجوانان و کودکان را در نظرگرفت و احادیث و فضایل قابل درک و هضم برایشان گفت .

صرف اینکه سخنی در احادیث آمده است ، مجوز نقل آن برای عموم‌نیست . گاهی عدم تناسب مطلب با کشش فکری شنوندگان یا خوانندگان ، آنان را مساله‌دار می‌کند و منکر اصل دین و عقاید می‌شوند .

## یک میدان و دو هجوم

از آنجا که ایجاد محبت اهل بیت ، کاری فرهنگی و احداث خاکریزدفاعی در برابر «شبیخون فرهنگی است ، این نوشته که مقایسه‌ای‌میان هجوم نظامی و تهاجم فرهنگی است ، برای تکمیل این بحث ، آورده می‌شود . (153) .

نه «مرز» ، تنها آبی و خاکی است ، نه حمله ، تنها زمینی و هوایی !

نه هجوم ، فقط نظامی است ، نه شکست و ضربه ، فقط مادی .

«تهاجم فرهنگی ، خطرناکتر از «هجوم نظامی است .

در هجوم نظامی ، طمع به خاک است و زمین ، در شبیخون فرهنگی‌طمع به اخلاق است و دین !

هجوم نظامی با سر و صدا و سرعت است ، تهاجم فرهنگی ، آهسته وآرام .

آن ترسناک و نفرت آفرین است ، این فریبنده و جذاب ، .

آن ، افراد را به دفاع و مقاومت وا می‌دارد ، این به استقبال و پذیرش‌می‌فرستد .

کشته آن ، «شهید» است و مرده این ، پلید !

شهادت ، دوست داشتنی است ، اما ابتذال ، نفرت انگیز .

در هجوم نظامی ، دشمن اعلام جنگ و دشمنی می‌کند و مهاجم‌فرهنگی ، اعلام دوستی ! . . .

در حمله نظامی ، صفیر اولین گلوله ، همه را متوجه خطر می‌سازد ، اما درتهاجم فرهنگی گاهی تا شلیک گلوله آخر دشمن ، هنوز عده‌ای شبیخون‌را باور نمی‌کنند .

آن پیداست ، این پنهان !

در آنجا ، زمین از دست می‌رود ، اینجا شرف و دین .

آنجا ، درگیری با دشمن ، در مرزهاست ، اینجا آسیب از حمله دشمن ، درون خانه‌هاست .

آنجا ، بمبهای خوشه‌ای می‌ریزند ، اینجا شک و دودلی می‌انگیزند .

آنجا سلاح ، موشک و بمب است ، اینجا ماهواره و امواج تصویری .

در میدان حمله نظامی ، پادگانها ، مقرها و خطوط و خاکریزها بمباران‌می‌شود ، در تهاجم فرهنگی مدرسه‌ها مطبوعات ، اندیشه‌ها و عقیده‌ها .

در آن درگیری ، کوه و دشت و دریا میدان برخورد است ، در این مقابله ، نبرد در عرصه مجلات ، رمانها ، فیلمها و کتابهاست .

آنجا میدان مبارزه محدود است ، اینجا گسترده ، .

آنجا جنگی آشکار است ، اینجا غارتی پنهان ، .

اسیران آن میدان ، «آزاده اند ، و گرفتاران این میدان ، «معتاد» و«آلوده .

آنجا ، شهادت ، خانواده‌ای را سربلند می‌سازد ، اینجا اعتیاد و ابتذال ، دودمانی را شرمگین می‌سازد .

پدر یک شهید ، عزیز است ، پدر یک آلوده ، سرافکنده !

در میدان نظامی ، مجروح را به عقب بر می‌گردانند تا مداوا شود ، درصحنه فرهنگی ، پس از اولین زخم و ترکش ، به خطوط جلوتر انتقال‌می‌یابد .

تیر و ترکش ، بر سر و دست می‌نشیند ، ولی زهر هوس و ویروس گناه ، برایمان و اندیشه آسیب می‌رساند .

در هجوم نظامی ، دشمن از مرز آبی و خاکی وارد می‌شود ، در تهاجم‌فرهنگی ، از مرز فکری و روحی .

آسیب خورده آن ، انگیزه مبارزه و خصومت پیدا می‌کند و نیش خورده‌این ، خلع سلاح و بی‌انگیزه می‌شود .

تشییع جنازه یک شهید ، شهری را روح حماسه می‌بخشد ، اما آلودگی‌نسلی به ابتذال ، روح جامعه را افسرده می‌سازد .

هجوم نظامی ، یک ملت را مقاومتر می‌کند ، و هجوم فرهنگی ، سست‌تر می‌سازد .

آنجا فشنگ ، شلیک می‌شود ، اینجا آهنگ ، پخش می‌شود .

آنجا در پی «ماه اند ، اینجا دنبال «ماهواره .

گذرگاههای آن جبهه ، سربالایی است ، و عرصه‌های این میدان ، سرازیری .

آنجا از خود می‌گذرند تا به خدا برسند ، اینجا از خدا می‌گذرند تا به خودبرسند .

قربانیان آن ، شهید راه «معروف اند ، و قربانیان این ، کشته بیراهه منکر» !

بکوشیم تا از مجروحان این جبهه و ترکش‌خوردگان این حمله نباشیم .

اگر هم آسیب دیده‌ایم ، به درمانگاه «توبه برویم و . . . تا دیر نشده ، غده‌گناه را «جراحی کنیم .

آیا سلامت روح و فکر ، به اندازه «جسم مهم نیست ؟ !

پی‌نوشتها

1) کلیات سعدی ، چاپ امیرکبیر ، ص‌715 .

2) امام صادقعليه‌السلام : «الحب افضل من الخوف (بحارالانوار ، ج‌75 ، ص‌226) .

3) شوری ، آیه 23 .

4) پیامبر اسلام : لو ان‌عبدا جاء یوم القیامة بعمل سبعین نبیا ما قبل الله ذلک منه حتی یلقاه‌بولایتی و ولایة اهل بیتی . (کشف الغمه ، ج‌2 ، ص‌10) .

5) ابیاتی از مثنوی «اهل بیت آفتاب از نویسنده .

6) الغدیر ، ج 2 ، ص 303 .

7) احقاق الحق ، ج‌18 ، ص‌498 .

8) بحارالانوار ، ج‌75 ، ص 348 .

9) بشارة المصطفی ، ص‌222 .

10) ینابیع المودة ، ج 1 ، ص‌78 .

11) بحارالانوار ، ج 67 ، ص 22 .

12) همان ، ج 16 ، ص‌190 .

13) میزان الحکمة ، ج‌2 ، ص‌215 .

14) بحار الانوار ، ج 66 ، ص‌238 .

15) به احادیث‌حب و بغض در راه خدا مراجعه کنید (بحارالانوار ، ج‌66 ، ص‌236 تا 253) .

16) از جمله ر . ک : بحارالانوار ، ج‌27 ، ص 51 تا 254 .

17) بحارالانوار ، ج‌22 ، ص‌315 .

18) غرر الحکم ، حدیث 6169 .

19) اهل البیت فی الکتاب والسنه ، ص 369 .

20) غرر الحکم .

21) احتجاج طبرسی ، ج‌1 ، ص‌198 .

22) همان ، ص 197 .

23) احقاق الحق ، ج‌5 ، ص‌42 .

24) ثواب الاعمال ، ص 124 .

25) احقاق الحق ، ج‌18 ، ص‌310 .

26) امالی طوسی ، ص‌229 .

27) الکافی ، ج 2 ، ص‌496 .

28) ثواب الاعمال ، ص‌223 .

29) من لایحضره الفقیه ، ج‌2 ، ص‌577 .

30) درباره روایات مربوط به زیارت ، از جمله ر . ک : «بحارالانوار» ، ج‌97 تا 99 ، «من لایحضره‌الفقیه ، ج‌2 ، «کامل الزیارات ، «عیون اخبار الرضا» .

31) وسایل الشیعه ، ج‌10 ، «میزان الحکمه ، ج 4 و نیز «چهل حدیث زیارت ، نشر معروف ، ازنویسنده .

32) بحارالانوار ، ج 71 ، ص‌355 .

33) بحارالانوار ، ج‌101 ، ص‌98 .

34) صحیفه سجادیه ، دعای 25 .

35) بخشهایی از مقاله «حسینیه دل ، از نویسنده .

36) وسائل الشیعه ، ج 3 ، ص 411 ، بحارالانوار ، ج 98 ، ص 118 .

37) بحارالانوار ، ج 97 ، ص 230 .

38) بحارالانوار ، ج 97 ، ص 228 - 230 .

39) همان .

40) همان ، ج 63 ، ص 448 .

41) همان ، ج 101 ، ص 114 .

42) وسائل الشیعه ، ج 10 ، ص 410 ، بحارالانوار ، ج 98 ، ص 124 و 136 .

43) بحارالانوار ، ج 98 ، ص 123 .

44) همان ، ص 121 .

45) از جمله در برنامه‌های جنبی «شب شعر عاشورا» که همه ساله در شیراز برگزار می‌شود ، مراسم تربت نوشانی به افراد جلسه است ، شربت زعفران آمیخته به تربت را در کام همه حضار به‌مقدار یک قاشق یا نیم استکان می‌ریزند ، این برنامه ، نقش عجیبی در ایجاد عشق و علاقه به‌امام حسینعليه‌السلام و تغییر حالت روحی افراد دارد .

46) سفینة البحار (چاپ جدید) ، ج‌2 ، ص‌17 .

47) مائده : 119 ، توبه : 100 ، مجادله : 22 ، بینه : 8 .

48) مائده : 54 .

49) مفاتیح الجنان ، ص 350 (زیارت امیرالمؤمنین ، زیارت امین الله) .

50) مناقب ابن شهر آشوب ، ج‌1 ، ص‌85 .

51) رجال کشی ، ج‌2 ، ص‌473 و 381 .

52) همان ، ص‌685 .

53) تفسیر عیاشی ، ج‌2 ، ص‌231 .

54) همان .

55) بحارالانوار ، ج 26 ، ص 124 .

56) همان ، ص 146 .

57) همان ، ج 23 ، ص 313 .

58) مریم ، آیه 58 .

59) بحارالانوار ، ج 26 ، ص 224 .

60) غاشیه ، آیه 26 .

61) بحارالانوار ، ج 7 ، ص 203 .

62) همان ، ج 8 ، ص 41 .

63) همان .

64) همان ، ج 2 ، ص 206 .

65) همان ، ج 65 ، ص 43 .

66) همان ، ج 9 ، ص 112 .

67) میزان الحکمه ، ج 5 ، ص 233 .

68) برای مطالعه متن این احادیث فراوان می‌توانید از «المعجم المفهرس بحارالانوار ، واژه‌شیعه ، بهره بگیرید .

69) بحارالانوار ، ج‌23 ، ص‌232 .

70) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : «اساس الاسلام حبی و حب اهل بیتی ، (کنز العمال ، ج‌12 ، ص‌105) .

امام باقرعلیه السلام : «حبنا اهل البیت نظام الدین ، (امالی شیخ طوسی ، ص‌296) .

71) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : «من احبنا فقد احب الله و من ابغضنا فقد ابغض الله ، (امالی صدوق ، ص‌386) ; در زیارت جامعه کبیره نیز می‌خوانیم : من احبکم فقد احب الله .

72) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : « . . . من احب هولاء فقد احبنی و من ابغضهم فقد ابغضنی ، (تاریخ دمشق ترجمة الامام الحسین ، ص‌91) .

73) امام باقرعلیه السلام : «انی لاعلم ان هذا الحب الذی تحبونا لیس بشی‌ء صنعتموه ولکن الله صنعه ، (المحاسن ، ج‌1 ، ص‌246) .

74) امام صادقعليه‌السلام : «حبنا اهل البیت افضل عبادة ، (المحاسن ، ج‌1 ، ص‌247) .

75) امام صادقعليه‌السلام : «لاتستصغروا مودتنا ، فانها من الباقیات الصالحات ، (مناقب ابن شهرآشوب ، ج‌4 ، ص‌215) .

76) بحارالانوار ، ج‌27 ، ص‌193 .

77) میزان الحکمه ، ج‌2 ، ص‌237 .

78) بحار الانوار ، ج‌17 ، ص‌13; میزان الحکمه ، ج‌2 ، ص‌242 .

79) بحار الانوار ، ج 37 ، ص‌335 .

80) همان ، ج‌6 ، ص 187 .

81) این آثار و عناوین برگرفته از کتاب «اهل البیت فی الکتاب والسنه محمدی ری‌شهری است .

82) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : «حبنا اهل البیت‌یکفر الذنوب و یضاعف الحسنات (ارشاد القلوب ، ص‌253) .

83) امام صادقعليه‌السلام : «لا یحبنا عبد حتی یطهر الله قلبه (دعائم الاسلام ، ج‌1 ، ص‌73) .

84) امام صادقعليه‌السلام : «من احبنا اهل البیت و حقق حبنا فی قلبه جرت ینابیع الحکمة علی لسانه (المحاسن ، ج‌1 ، ص‌134) .

85) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : «حب اهل بیتی و ذریتی استکمال الدین (امالی صدوق ، ص‌161) .

86) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : «شفاعتی لامتی من احب اهل بیتی و هم شیعتی (تاریخ بغداد ، ج‌2 ، ص‌146) .

87) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : «اکثرکم نورا یوم القیامة اکثرکم حبا لآل محمد» ، (بشارة المصطفی ، ص‌100) .

88) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : «من احبنا اهل البیت‌حشره الله تعالی آمنا یوم القیمة ، (عیون اخبار الرضا ، ج‌2 ، ص‌220) .

89) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : «اثبتکم قدما علی الصراط اشدکم حبا لاهل بیتی ، (فضائل الشیعه ، ص‌48) .

90) امام صادقعليه‌السلام : «والله لایموت عبد یحب الله و رسوله و یتولی الائمة‌عليهم‌السلام فتمسه النار» ، (رجال نجاشی ، ج‌1 ، ص‌138) .

91) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : «من احبنا اهل البیت فی الله حشر معنا و ادخلناه معنا الجنة ، (کفایة الاثر ، ص‌296) .

92) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : «اعلی درجات الجنة لمن احبنا بقلبه و نصرنا بلسانه و یده ، (المحاسن ، ج‌1 ، ص‌251) .

93) پیامبر اکرم‌صلى‌الله‌عليه‌وآله : «من اراد ان ینجو من عذاب القبر فلیحب اهل بیتی . . . و من اراد دخول الجنة‌بغیر حساب فلیحب اهل بیتی فوالله ما احبهم احد الا ربح الدنیا والآخرة ، (مقتل الحسین‌خوارزمی ، ج‌1 ، ص‌59) .

94) بحارالانوار ، ج‌27 ، ص‌78 .

95) بحارالانوار ، ج‌16 ، ص‌356 .

96) همان ، ج 23 ، ص 250 (لا تستصغر مودتنا فانها من الباقیات الصالحات) .

97) الغدیر ، ج‌2 ، ص‌295 .

98) نامش سفیان بن مصعب است . وی از شاعران برجسته شیعه و مورد عنایت اهل‌بیت‌بود که‌عمده شعر او پیرامون مدح و مرثیه اهل بیت است . در زمان امام صادقعليه‌السلام می‌زیست . برای‌آشنایی با چهره او ، از جمله ر . ک : ماهنامه کوثر ، شماره 24 (اسفند 77) و «سفیان بن مصعب از : سید هاشم محمد .

99) مستدرک وسائل الشیعه ، ج‌2 ، ص‌625 .

100) درباره او ر . ک : ماهنامه کوثر ، شماره 20 (آبان 77) و «ابوالاسود الدوئلی فی المیزان از : محمدالمنصور .

101) بحار الانوار ، ج‌8 ، ص 52 .

102) روزنامه جمهوری اسلامی ، 16 اردی‌بهشت 78 .

103) الغدیر ، ج 2 ، ص 361 .

104) بحارالانوار ، ج 51 ، ص 148 .

105) همان ، ص 137 (طوبی لک ان ادرکته و یا طوبی من ادرکه) .

106) العوالم ، بحرانی ، ج 11 ، ص 136 .

107) همان ، ص 552 .

108) همان ، نقل از تهذیب ، ج 8 ، ص 112 .

109) در زمینه نامها و تاثیر اینگونه نامگذاریها ر . ک : «جرعه‌ای از کوثر» ، علی‌رضا سبحانی‌نسب .

110) در این زمینه به «الغدیر» علامه امینی ، ج 3 ، بحث «عید الغدیر فی الاسلام مراجعه شود ، نیزجزوه «عید غدیر در اسلام از نویسنده ، «چهل حدیث غدیر» از : محمود شریفی .

111) دیباچه‌ای بر رهبری ، ناصرالدین صاحب‌الزمانی ، ص 69 .

112) همان ، ص 218 .

113) در زمینه نقش الگو و قهرمان از جمله ر . ک : «الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان محمد علی‌کریمی‌نیا ، «نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت مصطفی عباسی مقدم «جوان و «کودک ، فلسفی ، «انسان کامل ، شهید مطهری ، «دیباچه‌ای بر رهبری ناصرالدین صاحب‌الزمانی .

114) تحف العقول ، ص‌416 .

115) ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و ماواه و منتهاه (مفاتیح الجنان ، ص‌549) .

116) ثلاثة تورث المحبة : الدین والتواضع والبذل (بحارالانوار ، ج‌75 ، ص‌229) .

117) بحار الانوار ، ج‌33 ، ص‌260 .

118) بحارالانوار ، ج‌13 ، ص 351 و ج‌67 ، ص‌22 .

119) میزان الحکمه ، ج‌2 ، ص‌229 (به نقل از بحارالانوار ، ج‌14 ، ص‌38) .

120) بحارالانوار ، ج‌2 ، ص‌31 .

121) الکافی ، ج‌1 ، ص‌193 .

122) رحم الله امرءا اجتر مودة الناس الینا ، فحدثهم بما یعرفون و ترک ما ینکرون (بحارالانوار ، ج‌2 ، ص‌68) .

123) برای آشنایی با سیره پیامبر از جمله ر . ک : «بحارالانوار» ، ج‌16; «مکارم الاخلاق ، طبرسی;«سنن النبی ، علامه طباطبایی ، «همگام با رسول ، از نویسنده; نسبت‌به ائمه دیگر از جمله منتهی الامال ، محدث قمی و کتابهای دیگری که در زندگی ائمه نوشته شده است . دوره‌چهل حدیث‌های سیره معصومین از انتشارات «نشر معروف نیز توصیه می‌شود .

124) بحارالانوار ، ج‌74 ، ص‌166 .

125) صائب تبریزی .

126) کتاب «بانوی نور» مریم بصیری ، داستان تاثیرپذیری یک هنرمند را از ایفای نقش مادر امام‌زمانعليه‌السلام نوشته است . از اهل هنر نمونه‌های متعددی از این تاثیرپذیری شنیده شده است .

127) در این زمینه خاطرات «زیارت که کانون پرورش فکری ، از خاطرات بچه‌ها از زیارت مشهدمقدس چاپ کرده است ، نمونه موفق است . شبیه آن کتاب «سحرخیزان تنها» در مورد روزه ماه‌رمضان است . خاطراتی که بچه‌ها از امام امت‌یا شهیدان نوشته‌اند ، یا نامه‌های آنان خطاب به‌حضرت امام ، همین تاثیر را داشته است .

128) در این زمینه‌ها از جمله : «حکایتها و هدایتها» فصل اول ، محمد جواد صاحبی ، «قصه‌های‌نماز» ، «غنچه‌های نور» و «قصه‌هایی از زندگی معصومین ، جواد نعیمی ، «قصه‌های خوب‌برای بچه‌های خوب جلد 8 ، مهدی آذریزدی ، «تا دریا» محمد سادات اخوی و . . . برای جوانان‌و نوجوانان مفید است .

129) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ، ج‌2 ، ص‌40 .

130) تحف العقول ، ص‌514 .

131) بحارالانوار ، ج‌70 ، ص‌15 .

132) همان ، ج‌75 ، ص‌347 .

133) احادیث مربوط به «حب اهل بیت‌عليهم‌السلام را از جمله در (میزان الحکمه ، ج‌2 ، ص‌235) مطالعه‌کنید . کتاب «اهل البیت فی الکتاب والسنة از محمدی ری‌شهری نیز منبع خوبی است .

134) اسئلک حبک و حب من یحبک و حب کل عمل یوصلنی الی قربک (مناجات خمس عشره ، مناجات نهم ، مفاتیح الجنان ، ص‌125) .

135) تنبیه الخواطر ، ورام ، ج‌2 ، ص‌176 .

136) میزان الحکمه ، ج‌5 ، ص‌232 .

137) احتجاج طبرسی ، ج‌2 ، ص‌599 .

138) بحارالانوار ، ج‌39 ، ص‌288 .

139) بحارالانوار ، ج 65 ، ص‌151 .

140) اهل البیت ، فی الکتاب و السنة ، ص‌421 .

141) همان .

142) بحارالانوار ، ج‌100 ، ص‌124 و ج‌35 ، ص‌199 .

143) ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه (احزاب ، آیه‌4) .

144) اهل البیت فی الکتاب والسنه ، ص‌423 .

145) همان .

146) همان ، ص‌425 .

147) امالی طوسی ، ص 650 .

148) نهج البلاغه ، صبحی صالح ، حکمت 117 .

149) اهل البیت فی الکتاب والسنه ، ص‌531 .

150) بحارالانوار ، ج‌35 ، ص‌315 .

151) همان ، ج 33 ، ص‌373 .

152) اهل تحقیق ، در این زمینه از جمله به بحث مستوفای «مشکلة الغلاة در کتاب «الامام‌الصادق والمذاهب الاربعه ، اسد حیدر ، ج‌4 ، ص‌369 مراجعه کنند .

153) این مقاله بارها در مطبوعات و نیز به صورت مستقل ، چاپ ، تکثیر و توزیع شده است .

فهرست اهم منابع

- قرآن کریم .

- بحارالانوار ، علامه مجلسی ، مؤسسه الوفاء ، بیروت .

- کشف الغمه ، اربلی ، دارالکتب الاسلامی ، بیروت .

- الغدیر ، علامه امینی ، دارالکتاب العربی ، بیروت .

- احقاق الحق ، قاضی نورالله تستری ، الاسلامیه ، تهران .

- بشارة المصطفی ، طبری ، مطبعة الحیدریه ، نجف .

- ینابیع المودة ، قندوزی ، مکتبة الحیدریه ، نجف .

- میزان الحکمة ، محمدی ری‌شهری ، دفتر تبلیغات اسلامی قم .

- الاحتجاج ، طبرسی ، دارالاسوه ، تهران .

- اهل‌البیت فی الکتاب والسنة ، محمدی ری‌شهری ، دارالحدیث ، قم .

- غرر الحکم ، آمدی ، دانشگاه تهران .

- ثواب الاعمال ، شیخ صدوق ، مکتبة الصدوق ، تهران .

- الکافی ، محمد بن یعقوب کلینی ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران .

- امالی ، شیخ طوسی ، مؤسسة البعثه ، قم .

- من لایحضره الفقیه ، صدوق ، جامعه مدرسین ، قم .

- صحیفه سجادیه ، امام زین العابدین ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، تهران .

- وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت .

- سفینة البحار ، محدث قمی ، انتشارات اسوه ، تهران .

- مفاتیح الجنان ، محدث قمی ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، تهران .

- مستدرک الوسائل ، میرزا حسین نوری ، مؤسسة آل البیت ، قم .

- العوالم ، بحرانی ، مؤسسة الامام المهدی ، قم .

- تحف العقول ، ابن شعبه حرانی ، مؤسسة النشر الاسلامی ، قم .

- نهج البلاغه ، سید رضی ، صبحی صالح ، بیروت .

فهرست مطالب

[پیش گفتار 2](#_Toc454536685)

[جایگاه محبت در دین 5](#_Toc454536686)

[حقوق اهل بیت عليه‌السلام و وظایف ما 10](#_Toc454536687)

[1 - مودت و محبت 11](#_Toc454536688)

[2 - تمسک و چنگ زدن به آستان آنان 12](#_Toc454536689)

[3 - ولایت و پذیرش رهبری آنان 12](#_Toc454536690)

[4 - مقدم داشتن آنان بر دیگران 13](#_Toc454536691)

[5 - اقتدا به آنان در امور دین و دنیا 13](#_Toc454536692)

[6 - اکرام و احترام نسبت‌به آنان 14](#_Toc454536693)

[7 - ادای خمس اموال و درآمدها 14](#_Toc454536694)

[8 - نیکی کردن و پیوند داشتن با آنان و ذریه ایشان 14](#_Toc454536695)

[9 - صلوات و درود فرستادن بر آنان 15](#_Toc454536696)

[10 - یاد کردن آنان و فضایلشان 15](#_Toc454536697)

[11 - ذکر مصائب و مظلومیت آنان 16](#_Toc454536698)

[12 - رفتن به زیارت قبور مطهرشان 16](#_Toc454536699)

[راههای ایجاد محبت 18](#_Toc454536700)

[1 - دوران پیش از کودکی 19](#_Toc454536701)

[2- پیوند با آب فرات و خاک کربلا 23](#_Toc454536702)

[3- استفاده از علاقه به محبوبیت 26](#_Toc454536703)

[4- توجه به عنایت اهل بیت‌به شیعه 28](#_Toc454536704)

[9- امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود : 31](#_Toc454536705)

[5- بیان فضیلت‌حب آل پیامبرصلی الله علیه وآله 34](#_Toc454536706)

[6- طرح نیازمندی و بهره‌مندی از این محبت 36](#_Toc454536707)

[7- ارزش جلوه دادن محبت اهل بیت‌علیهم السلام 39](#_Toc454536708)

[8- تعظیم و تکریم و تعریف 44](#_Toc454536709)

[9- برپایی مراسم و تعظیم شعائر 50](#_Toc454536710)

[10- استفاده از حس کمالجویی 52](#_Toc454536711)

[11- معرفی ولی نعمتان 56](#_Toc454536712)

[12- ذکر فضایل و فرهنگ و تعالیم اهل‌بیت‌علیهم السلام 59](#_Toc454536713)

[فضایل اهل‌بیت‌عليهم‌السلام در دو محور قابل طرح است : 61](#_Toc454536714)

[13- گره زدن خوشیهای زندگی به حیات ائمه علیهم السلام 62](#_Toc454536715)

[14- پرهیز از عوامل محبت‌زدا 64](#_Toc454536716)

[15- ایجاد فضای روحی و معنوی 66](#_Toc454536717)

[16- معرفی کتاب و نگارش مقاله و شعر 70](#_Toc454536718)

[17- قصه‌های دلدادگان 71](#_Toc454536719)

[18- تشکلهای هیئتی 73](#_Toc454536720)

[چند نکته تکمیلی 75](#_Toc454536721)

[مقدمه 75](#_Toc454536722)

[1 . پیوند محبت‌با عمل 76](#_Toc454536723)

[2 . نشانه‌های محبت 80](#_Toc454536724)

[3 - بیزاری از دشمنان 82](#_Toc454536725)

[4 - آمادگی برای بلا و رنج 84](#_Toc454536726)

[3 . پرهیز از غلو 85](#_Toc454536727)

[یک میدان و دو هجوم 88](#_Toc454536728)

[فهرست مطالب 100](#_Toc454536729)